



نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
www.afsaran.ir
سال چهارم - شماره ۳۲
دوشنبه ۳۰ آذر ۱۳۹۴



اصلاحات خمینی تا خمینی اصلاحات
مصاحبه با افسر بانو Ruqayyah96
وحدت؛ سدی در برابر نفوذ
روسیه و منطقه پر آتش...
عامل نارتجی



برای حضرت باران

نویسنده: sepehra

زمستان است، اما درِیخ از آسمانی که نمی بارد
و سپیدی برفی که بر سیاهی های شهرِ دل، رُخ نمی نماید
می بارد عطر روشن حضور تو،
بر بامِ دقایقِ دودآلود و عصیان زده قلب،
تا شاید نفسی تازه کنیم.

می بارد بر تیره گونی نگاه های وحشت زده از تنهایی و نگون بختی های گاه و بی گاهمان
ببار بر تمام روزگار دیجور و دیارهایی که تو را همواره تمنا دارند
می دانی روزهاست دست گشوده ایم در طلبت، به دعای باران
که بباری... بر تپش هر ثانیه عمر این مردمان
تو، تنهاترین بارانی هستی که خوشترین دقایق ابر، در فرود توست
نگاه کن، وقتی قرار باشد بیایی تمام زمین و آسمان یک صدا تو را می خوانند
صدای تو زیباترین صدای جهان است
و تمام فصلهای ما همچون کویر، لبریز از عطش دیدارت
زمستان است و من از «عصر» های بی بارشی که می گذرد بی ظهور «ولی» بیزارم
با ما بگو در کدامین ثانیه ی لبریز از تردید را در انتظارت باشیم؟
که تو در دلی و دل را بی تو صفایی نیست
ببار بر شب تاریک دلهايمان و بر قلبهای منتظران
ببار باران تا صبح شود و بهاری نو، در دل این زمستان
ببار باران...



ماهنامه فرهنگی سیاسی اجتماعی میجا

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران

دوشنبه ۳۰ آذر ۱۳۹۴

شماره ۳۲

فهرست

- ۴ کلام نور
- ۵ سرمقاله
- ۶ اصلاحات خمینی تا خمینی اصلاحات
- ۸ اینفوگرافی
- ۹ روسیه و منطقه پر آتش
- ۱۰ غرب وحشی
- ۱۱ نگارستان
- ۱۲ وحدت، اساس استکبار ستیزی
- ۱۴ جنگ و صلح
- ۱۶ وصیت نامه
- ۱۷ خاکیان افلاکی
- ۱۸ قعود قهرمانانه
- ۲۰ گزارش تصویری
- ۲۱ طنز
- ۲۲ وحدت؛ سدی در برابر نفوذ
- ۲۴ کلیپ
- ۲۵ خرابه (داستانک)
- ۲۶ احکام
- ۲۶ شک آفرینی (نانوشته)
- ۲۷ اخبار افسران
- ۲۸ مصاحبه
- ۳۰ شعر
- ۳۱ برگی از بهشت (توسل برای آدم شدن)

سردبیر:

Baran

نویسندگان:

**Azadandish - Ayaran313 - Hamase - Parasto
Khademoshahid - Kereshti - Matinemami - Sephra
Noora1376 - Ruqayyah69 - Soode - Sobhanshahidi**

طراح و صفحه آرا:

Matinemami

سایر همکاران:

**Afsar0313 - Ighalameshghii - Mamitavanim92
Salam110 - Zaerolhoseine**

طراح جلد:

Matinemami

با استفاده از طرح پوست: ایران که کوفه نیست

رایانامه:

nashrie_afsan@mail.ir

شماره پیامک:

۳۰۰۰۶۱۳۲۹۳۰۵۲۰

ما را در مسیری که شروع کرده ایم تنها نگذارید. ایده های خود را در مورد مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای «میعاد» بنویسید. ما به توانایی های نسل جوان ایمان داریم. منتظر نقدها و نظرات شما درباره مطالب نشریه هستیم. اگر عیوب ما را به ما هدیه دهید، دوست داشتنی ترین برادر ما خواهید بود.

مسئولیت مطالب درج شده در نشریه به عهده نویسندگان آن است. استفاده از مطالب مندرج در نشریه تنها با ذکر منبع مجاز می باشد. هیئت تحریریه از مطالب ارسالی استقبال می کند.

نشریه «میعاد»، وعده گاه سربازان متعهد و دلسوز جبهه جنگ نرم است و خود را جزئی از حرکت مستمر و بالنده انقلاب در رسیدن به تمدن اسلامی می داند. به کارآمدی سنت علمی، عملی و رهنمودهای بنیانگذار کبیر انقلاب (ع) و رهبر معظم خود (حفظه الله) اعتقاد دارد و راه و روش خود را بر اساس، حفظ، ترمیم و بالندگی انقلاب اسلامی طراحی می کند و حرکت خود را با تکیه بر آن منویات بی بدیل پیش می برد. نگاه ما به تحولات جهانی، نگاهی یکپارچه به گذشته، حال و آینده است، چون معتقدیم بی توجهی به هر یک باعث خسران است و استمرار حرکت اصیل اسلامی، در گرو فهم گذشته و مدیریت حال برای تحقق آینده مطلوب است. این نشریه، درصدد احیاء، تبیین، همگرایی و همگرایی مفاهیم انقلابی اسلام در حوزه های سیاسی - اجتماعی برای مخاطب خود است؛ با نگاهی بیشتر و عمیق تر...





آنها [دشمنان] می‌دانند که از چه راه باید یک کشوری را به تباهی بکشانند. آنها می‌دانند که باید از راه خود حکومت، از راه خود دولت، از راه خود مجلس، از راه خود اینها، این کارها را انجام بدهند. اینها می‌دانند با این ملت نمی‌شود با فشار و زور و سرنیزه رفتار کرد. قهرا آنها می‌خواهند یک نقشه‌ای بکشند. حواسشان هم خیلی جمع است و خیلی هم حوصله و صبر دارند.

آنها برای پنجاه سال دیگر، برای سی سال دیگر حالا نقشه درست می‌کنند. یعنی، اگر دانشگاه ما یک انحرافی پیدا بکند، بعد از سی سال نتیجه‌اش را آنها می‌گیرند. اگر در دانشگاه ما یک اشخاص غیر اسلامی وارد بشوند، اشخاصی که انحراف دارند وارد بشوند، ولو حالا نتوانند کاری بکنند، حالا هم عجله ندارند که کاری بکنند، کم کم همین دانشگاهی‌ها را تبلیغ می‌کنند، صحبت می‌کنند، هواخورشان می‌کنند؛ بالاخره هم مقدرات یک مملکت بعد از این دوره با آنهاست. آنها وقتی مقدرات یک دولت را و ملت را در دست گرفتند، با یک انحرافی در دست گرفتند، آن وقت هست که اینها نتیجه می‌گیرند، با دست خود اینها، نتیجه می‌گیرند.

امام خمینی ۱۳۶۱/۶/۷



نفوذ جریانی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، بکشانند به آن سمت مورد نظر خودشان. تغییر باورها، تغییر آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر میکند؛ یعنی کاری کنند که شما همان جوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه می‌کند؛ همان جوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی‌رتبه‌ی سیا تشخیص می‌دهد؛ در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او می‌خواهد. بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار می‌کنی... یکی از چیزهایی که مکمل این نفوذ است، تخطئه‌ی کسانی است که بر اصالت‌ها، بر نگاه درست، بر ارزش‌ها پای می‌فشارند؛ نمی‌خواهم بگویم آن کسانی که بسیج را تخطئه می‌کنند، متهم می‌کنند به افراتیگری و تند و چه و چه، آگاهانه دارند با نفوذگران همکاری می‌کنند؛ همراهی می‌کنند، اما واقع قضیه این است که این کمک است.

بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۹/۷



۳۳



إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (سوره انبیاء - آیه ۹۲)

این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف)؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید.

مفهوم «ملت» امر نوظهوری است که تاریخ آن از پیدایش ناسیونالیسم جدید فراتر نمی‌رود و به عنوان عامل انسانی در ارتباط با یک قلمرو جغرافیایی مشترک بکار می‌رود که حاصل آن احساس دلبستگی و وابستگی به سرزمینی معین است. «انشعابات و ملیت‌هایی که بر اساس «وطن» تشکیل می‌گردند مجموعه خود را به سوی وحدت و یگانگی حرکت می‌دهند و در نتیجه این ملت از ملتهای دیگر که در وطن‌های دیگر قرار دارند روحاً و جسماً جدا می‌گردد و با این ترتیب، انسانیت از وحدت و تجمع دوری گزیده و مبتلا به تفرق و تشتتی که فطرت انسانیش از آن فرار می‌نموده می‌گردد» (علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، جلد ۴، ص ۱۲۶ - ۱۲۵)

اما «امت» به مجموعه‌ای از انسان‌ها اطلاق می‌گردد که هدف و مقصد واحدی آنان را گرد هم جمع نموده باشد. مرز میان «امت‌ها» مرزی عقیدتی است. همه آنان که بر محور توحید، نبوت و معاد متمرکز گشته‌اند، امت واحدی را تشکیل می‌دهند. از نظر اسلام «امت» مهمترین ملاک تقسیم بندی جوامع بشری است.

وقتی مفهوم امت که یک نگاه جهان شمول دارد در نظر گرفته می‌شود مرکزیت و محور حاکمیت نه انواع و اقسام دولت‌ها بلکه مفهومی ناب و منحصر بفرد با عنوان امام خواهد بود. در پیوند معرفتی بین امام و امت، تنها یک رابطه احساسی و عاطفی وجود ندارد بلکه این ارتباط باتوجه به شخصیت امام که در اسلام ناب به انسان کامل اطلاق می‌گردد واجد عقلانیت و منطق بوده و امام خود را موظف می‌داند حاکمیت را با زمینه‌سازی

به قلم سردبیر: Baran

میلیت

فکری و آگاهی بخشی به مردم اعمال نماید و در این میان نفسانیت موجود در سایر رهبران صاحب مرز، در امام راه ندارد و هدف اصلی او رساندن جامعه بشری به قله کمال فردی و جمعی، در سایه عبودیت و توحید است.

در دین اسلام اعمالی به عنوان عبادت پیش بینی شده که اگر درست انجام شود قومیتها و نژادها و ملیت‌های مختلف را یکجا جمع کرده و آرزوی بزرگ تشکیل امت واحدی را محقق می‌سازد. باسابقه‌ترین این عبادات جمع بزرگ حج است که می‌تواند روح وحدت و جماعت را در بین همه مسلمانان زنده کند اما متأسفانه هنوز از این ظرفیت بزرگ به درستی استفاده نشده است. در کنار حج، پدیده جدیدتری به نام راهپیمایی اربعین مشاهده می‌شود که به شکل خارق العاده‌ای توانسته مقدمات یک وحدت عظیم، نه فقط بین مذاهب مختلف اسلام بلکه بین همه ادیان را بوجود آورد.

نام امام حسین (علیه‌السلام) که برای نجات انسان از حیرت گمراهی جان خود را فدا کرد، پس از هزار و اندی سال توانسته است محور تشکیل امت بدون مرز گردد. اما این پدیده نادر فقط در بازه زمانی کوتاهی رخ میدهد و دوباره هر ملتی به جایگاه قلبی خویش برمی‌گردد. اما همین تکرار می‌تواند زمینه ایجاد معرفت در مورد امام حاضر را فراهم کند. همان کسی که می‌تواند اسلام واقعی را که یک دین جهانی و جاودان است، به جامعه بشری ارائه کند و عقل را از بند محدودیت‌های عقلانیت ابزاری خارج کند و بدون توجه به مرزهای سرزمینی و تفاوت‌های نژادی، زبانی، ملی و فرهنگی از میان همه انسانها سربازگیری کرده و مقدمات تحقق فرموده‌ی خداوند متعال را فراهم آورد که «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ». این ویژگی محوری «امام» است که مکاتب شیطان و دشمنان انسانیت را به شدت دچار وحشت کرده و آنان را ناگزیر می‌کند با همه توان در مقابل هر جایگاهی که می‌تواند جامعه بشری را به سوی این مفهوم رهنمون شود بایستند و با ابزارهای مختلف آن را منکوب کنند. از جمله جایگاه «ولایت فقیه» در حکومت جمهوری اسلامی ایران که خود را موظف به زمینه سازی وحدت در جهان اسلام می‌داند و اصل یازدهم قانون اساسی نیز بر آن تأکید دارد که «جمهوری اسلامی موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.»

پاسداری از این جایگاه عالی و تلاش برای بازگرداندن شکل متعالی آن که در وجود مبارک «امام معصوم» جلوه‌گر می‌شود تنها راهی است که موجب خواهد شد تفرقه و تشتت جهانی جای خود را به وحدت براساس ویژگی‌های متعالی انسانی و الهی بدهد.



خمین اصلاحات اصلاحات خمین

نویسنده: matinemami

بی‌تردید، آراء و اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی است که همانند نخ تسبیح، اجزای گوناگون آراء و تصمیمات سیاسی ایشان را انسجام داده است. نظرات و افکاری که مبنای استراتژی و مقوم نظام جمهوری اسلامی ایران است که هیچ‌گاه توسط خودشان مدون نشده است و ایشان، به تناسب وقایع و حوادث سیاسی - اجتماعی دیدگاه خود را بیان نموده‌اند و استخراج و تبیین شالوده‌های فکری و مبانی نظری ایشان در عرصه سیاست، از مباحث مهم اندیشه سیاسی امام است.

تغییرات در ساختار و اصلاحات انقلابی، هدف اصلی و عنصر محوری اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) است. کما اینکه ایشان در سال‌های اول مبارزات خود در پی اصلاح حداکثری رژیم پادشاهی از طریق نصیحت و پند و اندرز بود. که پس از نومی‌دی از اصلاح رژیم پهلوی، در جهت اصلاح رژیم و جامعه با محوریت مردم، اقدام به مبارزه کردند، که ثمره آن نقش مهمی در تحول نظام‌های سیاسی منطقه و جهان امروز داشته است. با انقلاب اسلامی، اصلاحات در در تمام جوانب سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نظام و جامعه شروع شد. اصلاحاتی که از نظر جهان‌بینی و اعتقادی، بهترین و بالاترین آرمان‌ها را دنبال می‌کرد؛ چرا که انقلاب اسلامی در پی همان آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی بود که از دیدگاه امام خمینی (ره)، خداوند آن را با رسالت انبیا و امامت معصومان (علیهم‌السلام) ابلاغ فرموده است.

اما چه شد که بعد از گذشت چند دهه از پیروزی انقلاب، مردم تضادی عمیق را در تحولات جامعه ایرانی و آرمان‌های انقلابی خویش و اصلاحات خمینی (ره) می‌نگرند؟! تضادی که منشأ آن را می‌توان در فلسفه انقلاب اسلامی جستجو کرد که امام خمینی (ره) در ابتدای انقلاب آن را بنا نهاد و ثروت‌اندوزی و نابرابری بین مردم و مسئولین کشور را با نام «طاغوت» به یک ارزش منفی تبدیل کرده بودند و کوخ نشینان را بر کاخ نشینان ارجح می‌دانستند ولی با گذشت زمانی کوتاه، جریانی به نام سازندگی و اصلاحات، با تغییر سیاست به سوی توسعه اقتصادی، ملاک ارزیابی‌ها را وارونه ساخت و معیار و ارزش‌ها، به لیبرالی و سکولار تبدیل شدند و به نیت توسعه اقتصادی، تجمل و تجمل‌گرایی به یک ارزش و سادگی و قناعت در زندگی به یک ارزش منفی تبدیل شد.

اصلاح‌طلبانی که طی هشت سال (۱۳۷۶-۱۳۸۴) در حاکمیت سیاسی حضور داشتند و حتی پس از دست اندازی به هر باید و شاید سعی کردند تا باز به آن حاکمیت برسند، هیچ‌گاه به صورت دقیق، مشخص نکردند که منظور آنها از «اصلاحات» چیست؟! اما از آثار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجود و تفکر حامیان و بانیان این جریان، می‌توان به هدف و مسیر حرکت آنها پی‌برد. وقتی به سخنان ظاهری بزرگان این جریان نگاه کنیم؛ غایت اصلاح‌طلبی معطوف به مفاهیمی از قبیل دموکراسی، جمهوری‌یت و مشروطیت است که می‌توان قضاوت کرد که اصلاح‌طلبی تنها دربردارنده پاره اندکی



از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

اما با توجه به عملکرد آنها، همین هدف تک‌ساحتی (دموکراسی‌خواهی) نیز از نظر درون‌مایه و محتوا با تفکر و ارزش‌های انقلاب اسلامی هم‌خوان نیست و در قسمت اعظم آن با تفکر سیاسی انقلاب اسلامی و امام خمینی^(ع) در ضدیت کامل است. حتی با برخی اظهار نظرها که در تاریخ ثبت شده، کاملاً روشن می‌شود که مقصود از اصلاح‌طلبی و دموکراتیزاسیون، زدودن منشأ و خاستگاه دینی نظام سیاسی و نشان دادن تلقی عرفی و سکولاریستی به جای آن است. بدین‌سان، پر واضح است که شعار و پروژه اصلاح‌طلبی، «بازگشت به انقلاب» یا «تکمیل مسیر انقلاب» نبود، بلکه در حقیقت، منحرف ساختن نظام سیاسی و اجتماعی از مسیری بود که انقلاب اسلامی و امام خمینی^(ع) ترسیم کرده بود. تفکر و عملکرد اصلاح‌طلب‌ها نه تنها در چارچوب اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی قرار نداشت، بلکه با تحریف و تفسیر به رأی نظریات سیاسی امام خمینی^(ع) و یا آنکه آنها را تاریخ‌مند و خاص شرایط اجتماعی و سیاسی دوره حیات ایشان معرفی نمودن، انقلاب اسلامی را متحمل ضربه‌ها و خدشه‌های دردناکی کردند.

این جریان از آن‌رو که نتوانست مطالبات عادی مردم را در دوران حاکمیت خود برآورده سازد، و همچنین به سبب برخی عوامل دیگر، از جمله چالش‌ها و تنش‌های درونی میان حاملان این جریان، از رونق افتاد و خود را در ورطه سقوط و افول دید. در نتیجه، برای بازگشت به صحنه، کسب کرسی در بدنه سیاسی کشور و تغییرات بنیادی در کشور، به تقلب، تزویر و... روی آوردند و حوادث پس از انتخابات سال ۸۸ را رقم زدند. که جدال اکثریت مردم با بخشی اندک از فریب‌خوردگان نیز نشان از رغبت و گرایش کم مردم با این جریان دارد.

همیشه همراهان ایدئولوژی انقلاب اسلامی، پرشمارتر از همگامان جریان اصلاح‌طلبی هستند؛ زیرا همراهان ایدئولوژی انقلاب اسلامی ریشه در توده‌های مردم دارند، در حالی که جریان‌های اصلاح‌طلبی، بیشتر به طبقات بالای جامعه مرتبطند. ولی همان همگامان معدود جریان‌های اصلاح‌طلبی با پرچم‌داری رهبری واحد در آن جریان، مشارکت می‌جویند و نداشتن رهبر یگانه و مورد قبول تمام حامیان، همیشه معضل بزرگ جریان اصلاح‌طلبی در ایران بوده است.

هرچند در درون جریان اصلاح‌طلبی رهبرانی متعدد پدید آمده است که به همین دلیل از حمایت و هدایت مالی و فکری اشخاص متعدد و خاص اقتصادی و سیاسی برخوردار هستند؛ اما به دلیل نفوذ نسبی، تنها قادر بوده‌اند بخشی از مردم را به میدان آورند. به طور مثال در انتخابات سال ۸۸، چهره‌های معروف اصلاح‌طلب، بدون توجه به هدایت‌گری میرحسین موسوی و یا خاتمی بر جریان اعتراض، به ارائه رهنمودهایی در جریان اعتراض پرداختند و در سخنرانی، نامه و بیانیه به عنوان رهبر آن جنبش، ارائه اظهارات رهبری‌منشانه کردند.

مشکل رهبری جامع و یا رهبری که همگی یا اکثریت اصلاح‌طلبان بر آن اجماع نمایند، همچنان مسئله جدی اصلاح‌طلب‌ها است. این بحران، چند سویه است؛ از یک‌سو، اصلاح‌طلبان در نزاع رهبری

خاتمی، موسوی خوئینی‌ها، هاشمی رفسنجانی و از سوی دیگر، نزاع بین افراد فوق برای کسب جایگاه رهبری اصلاح‌طلب‌ها به وضوح دیده می‌شود که شاید برجسته‌ترین این نزاع، بین خاتمی و هاشمی وجود دارد، به گونه‌ای که هیچ‌یک به نفع دیگری صحنه را رها نمی‌کند و نیز از دیگر سو، افراد مذکور برخی به ظاهر و در حرف، نظام سیاسی را مقبول مردم می‌دانند و برخی دیگر نه، و این مسئله دامن‌زنی به نزاع داخلی و البته اغلب پنهانی بین آنها در کسب مقام رهبری جناح اصلاح‌طلب را تشدید کرده است.

با تمام این مقدمات نظری و تاریخی و در این حال که اصلاح‌طلب‌ها در دوره هشت ساله ریاست جمهوری خاتمی، بارها عبور از امام خمینی^(ع) را به نمایش گذاشتند و پس از آن نیز هیچ‌گاه از عملکرد خویش در این دوره هشت ساله تبری نجستند؛ و یا اکثر آنها در مورد پاره کردن عکس حضرت امام^(ع) و توهین به ایشان سکوت مرگ‌بار پیشه کردند؛ و یا اعتقاد راسخی در آنها برای بازگشت به اندیشه و خط امام و وارد کردن آن در مدیریت کشور دیده نمی‌شود؛ و یا برای بازگشت به مسیر سیاسی انقلاب، نیاز به رهبر واحد و مورد اجماع تمام افراد شاخص جریان اصلاح‌طلبی و حتی در ظاهر و مردم پسند دارند و...؛

شاید موضوع اصلی، باور عموم مردم، به بروز ناپهنجاری‌های سیاسی - اجتماعی در کشور به دلیل فاصله‌گیری مسئولان از اندیشه‌های حضرت امام و به دلیل نپذیرفتن امام خمینی^(ع) و امام خاتمی^(ع) (حفظه‌الله) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی توسط جریان اصلاح‌طلب نیست و یا حتی صرف کاندیداتوری شخصی از خانواده نزدیک امام خمینی^(ع) برای مجلس خبرگان رهبری نیز، اهمیت ذاتی نداشته باشد؛ بلکه نکته بارز و قابل اهمیت، اصرار برخی از اصلاح‌طلب‌ها و افراد دخیل در فتنه ۸۸ برای ورود، همراهی و بازی شخصی با نام خانوادگی خمینی، در صفحه سیاست کشور با حمایت جریانی است که تا بحال نتوانسته نام خود را از همراهی عنوان «جریان معارض نظام اسلامی» بزداید و خطوط قرمز حرکت خود را با آرمان‌ها و ارزش‌های جریان انقلاب اسلامی همخوان کند.

اما هر چه هست، جریانی که یکی از بزرگترین نقاط ضعفش، نداشتن رهبری واحد است، از تمام شخصیت سیدحسن خمینی، فقط عنوان خانوادگی او و شهرت او را برای سردمداری و رهبری جریانی بی‌ریشه می‌خواهد. تا با شعار «بعد از ۶۲ سال خمینی می‌آید» آشکارا در بازار شهرت اسامی، با نام خمینی به مقبولیت ریشه‌دار در اجتماع برسند و خود را با خمینی اصلاحات، دارای شخصیتی بزرگ و رهبری واحد و البته نامی و ریشه دار در تاریخ انقلاب معرفی کند و برای پیروزی نسبی در انتخابات خبرگان و در پی آن انتخابات مجلس، سوار بر نام ایشان بتازند.

«اولین فریضه‌ی دانشجویی عبارت است از آرمان‌خواهی. یک‌عده‌ای تبلیغ میکنند و وانمود میکنند که آرمان‌خواهی مخالف واقع‌گرایی است؛ نه آقا، آرمان‌خواهی مخالف محافظه‌کاری است، نه مخالف واقع‌گرایی. معنای آرمان‌گرایی این است که نگاه کنید به واقعیتهای آنها را درست بشناسید؛ از واقعیتهای مثبت استفاده کنید، با واقعیتهای سلبی و منفی مقابله کنید و مبارزه کنید؛ چشمتان به آرمانها باشد. آرمانها چه هستند؟.. ایجاد جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی.. اعتماد به نفس ملی.. مبارزه با نظام سلطه و استکبار.. عدالت‌خواهی.. آزادیخواهی.. سبک زندگی اسلامی.. رشد علمی»

بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۹۴/۴/۲۰

شما می‌توانید بسیار کننده و گفتار ساز باشید... اگر محیط دانشجویی، استاندارد سازی به یک مجلسی پیدا کرد و آن را دنبال کرد در فضاهای متنوع دانشجویی، این تأثیرگذار در آینده کشور است.

بایدها و نبایدهای تشکل دانشجویی

آرمان‌خواهی آینده‌ساز

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۳، مهم‌ترین وظیفه‌ی تشکلهای دانشجویی را «آرمان‌خواهی» دانستند و فرمودند: «وقتی یک آرمان دنبال میکنید و بعد به آن می‌رسید، این یک گفتار در جامعه ایجاد میکند، موجب تصمیم‌گیری میشود، بصر انقلاب در این دیدار اثراتش را برای تأثیرگذاری تشکلهای دانشجویی بر آینده کشور بر شما منتقل کرد که در این اینفوگرافیک مرور شده است»

انتخاب روشهای مطالعاتی و برگزاری جلسات بحث کنفرانس و ...

مطالعه کتابهای معارف اسلامی

تدوین در تاحیه مانند صحیفه سجاده به

انس با هیچ ابلاغه و کلمات امیرالمؤمنین

انس با قرآن و تدوین در قرآن

پرهیز از شهرهای به ظاهر اسلامی و باطن غیراسلامی

کار عمقی روی مفاهیم اسلامی

پرهیز از سطحی نگری / ارتقای سطح معرفت دینی

نبایدها

- پرهیز از برگزاری اردوی مشتط و کنسرت موسیقی
- پرهیز از حضور عناصر نامطمئن برای نظام و کشور در تشکلهای
- پرهیز از تئاترهای بیهوده و اعتراض بدون جهت
- پرهیز از حرف‌های من‌درآوردی به عنوان حرف‌های نو

دانشجویی

جذب بدن

- پیدا کردن و مطرح کردن حرف‌نو در زمینه مسائل دینی سیاسی-اجتماعی و بین المللی
- استفاده از حضور اساتید ارزشی و مؤمن
- انتقال فکر دینی با افتخار فکری مخاطبان
- استفاده از شیوه‌های هری طنز و تئاتر و ...
- محدود نکردن افلام مواضع به چاپ اعلامیه و کتاب

فهم واقعیات کشور

پیشرفت در شرایط
مواجهه بودن با زور آزمایی
حضور معنوی و نفوذ گسترده‌ی
بهره‌مند بودن مسأله هسته‌ای در
تداوم گرایش به آرمانهای
عبور از دشواری‌ها
افزایش توان درونی و
کسب‌خاطر شدن دشمن در اثر

برای مشاهده اندازه اصلی کلیک کنید





کار آمدن مجدد انقلابیون رنگی وابسته به غرب در اوکراین که به ورود نظامی روسیه در راستای الحاق مجدد خاک کریمه به روسیه انجامید، افزایش شمار نیروهای ناتو و ایجاد پایگاه‌های نظامی و به ویژه موشکی آمریکا در منطقه، همگی تهدیداتی علنی برای روسیه به حساب می‌آیند. بنابراین بدیهی ست حضور ائتلاف آمریکایی، بدون درنظرگرفتن تضاد مبارزه یا حمایت از داعش، مخاطرات بیشتری برای روسیه ایجاد می‌کند.

به نظر می‌رسد وجه بین المللی تنها دلیل ورود نظامی روسیه در مبارزه مستقیم و متحد با داعش نیست. کارشناسان روسی این حضور نظامی را لازمه تامین امنیت داخلی روسیه می‌دانند. اگر چه سیاست دو دهه اخیر روسیه در برخورد با مسلمانان این کشور، باعث یک رضایت نسبی در آنان شده است اما منطقه چچن به عنوان یکی از مناطق تحت نفوذ فرقه خود مسلمان خوانده وهابیت به عنوان یک تهدید در برابر امنیت ملی روسیه شناخته می‌شد که با توجه به حجم افراد گسیل شده از این منطقه در جهت پیوستن به گروه های تروریستی در سوریه، به یک خطر بالفعل تبدیل شده‌اند.

با توجه به نقشه آمریکایی صهیونیستی، در صورت سقوط نظام سوریه، این درگیری ها باید به منطقه قفقاز و آسیای میانه گسترش یابد که در این صورت با توجه به وضعیت درگیر عراق، حمایت مالی کشورهای مرتجع عرب و گذرگاه‌هایی که ترکیه در اختیار تروریستها قرار داده، تنها دو کشور ایران و روسیه در خط تهاجم تروریستها قرار دارند. در حالت دوم اگر با حمایت‌های ایران و جبهه مقاومت از سوریه، این بحران پایان یابد، روسیه با تهدیدی دیگری مواجه خواهد بود و آن بازگشت تروریست‌های چچنی به کشورشان است که در این صورت نیز پوتین باید منتظر بحران‌های امنیتی متوالی در روسیه باشد.

بنابراین انتخاب گزینه مبارزه با دشمن قبل از رسیدن به مرزهای کشور بهترین گزینه پیش روی پوتین بوده و مخالفت گروه‌های لیبرال در داخل روسیه و موضع گیریهای مقامات غربی و به ویژه آمریکایی در مورد بمبارانهای مواضع تروریستها، نتوانسته است خدشه‌ای بر این تصمیم راهبردی روسیه ایجاد کند.

به نظر می‌رسد در میان کشورهای منطقه، تنها روسیه است که اهمیت خطر این بازی آمریکایی صهیونیستی و هشدارهای رهبر معظم انقلاب را درک کرده است و سیاست‌های خود را در راستای رفع این بحران خطرناک طرح ریزی می‌کند.

در دنیایی که جهت روی هم انداختن پاها، زاویه دست دادن‌ها، نحوه ایستادن و غیره در عرصه دیپلماسی، هرکدام معنا و پیامی را با خود به همراه دارد، بدیهی ست عدم شرکت در مراسم استقبال رسمی و تعجیل در دیدار با رهبر ایران، آن هم دیداری با آن کم و کیف، پیام‌های بسیاری را برای ناظران مخابره کرده است. از همین رو می‌توان ساقط شدن جنگنده روسی، تنها یک روز پس از این دیدار را، نشانه‌ای مبنی بر دریافت پیام محسوب کرد و آن را تاوانی دانست بر تعهد شخص پوتین به رهبر ایران: ما متعهدیم که برخلاف برخی‌ها به شرکایمان از پشت خنجر نزنیم.

اما چرا روسیه حاضر به پرداخت این هزینه شده است؟ برای پاسخ به این سوال و سوالاتی از این دست باید موقعیت کنونی روسیه را بررسی کنیم.

در حافظه تاریخی ملت ایران، روسیه تزاری به سبب جنگ‌ها و قراردادهایی همچون ترکمانچای و روسیه کمونیستی (شوروی) به واسطه اشغال بخشی از ایران در دوران پهلوی و نیز کمک‌های نظامی به رژیم بعث در جنگ تحمیلی، در قامت یک دشمن تمام عیار نقش بسته است. فدراسیون روسیه پس از وقوع پیش بینی حضرت امام خمینی ره درباره فروپاشی شوروی، از دهه هفتاد به عنوان بزرگ‌ترین بازمانده این اتحاد ایجاد شد و دنیا آن را به نام ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری که دو سال پس از فروپاشی شوروی زمام امور را به دست گرفت می‌شناسد.

تاریخچه روابط دو دهه اخیر ایران و روسیه، اگر چه شاهد مذاکرات بی‌نتیجه تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، تاخیر در تحویل نیروگاه بوشهر و نیز کارشکنی در تحویل سامانه اس ۳۰۰ و همراهی در صدور قطعنامه‌ها بوده، اما اکثر کارشناسان سیاسی ایران و جهان این موارد را، صرفاً در راستای اعلام موضع قدرت و اقتدار روسیه در برابر غرب و آمریکا می‌دانند.

با این اوصاف، اگر اقتدار غرب را رمز اصلی موضعگیری‌های روسیه بدانیم، سوال اصلی این است که روسیه از ورود همه جانبه خود در سوریه، آن هم پس از پنج سال از شروع بحران به دنبال چیست؟ حمایت سیاسی از دولت اسد و حملات نظامی به مواضع تروریست‌ها تامین کننده کدام منافع روسیه است؟ نگاهی به جغرافیای منطقه و تحولات دو سال گذشته سرخ‌هایی را برای این سوالات در بر خواهد داشت.

مجادله گرجستان و روسیه بر سر منطقه اوستیای جنوبی و نیز روی

عامل نارنجی

نویسنده: kereshti

عامل نارنجی یا AGENT ORANGE علاوه بر از بین بردن جنگل‌های انبوه استوایی بر مردم ویتنام نیز آثار مرگبار فراوانی به جا گذاشت و فقط ۴۰۰ هزار نفر از تلفات جنگ ویتنام سهم عامل نارنجی بود. بعلاوه اثرات آن در نسل‌های بعدی مردم مناطق سمپاشی شده هم دیده می‌شود. بعد از جنگ نیز تاکنون باقیمانده‌های مواد شیمیایی در ویتنام باعث شده زنان ویتنامی در حدود ۵۰۰ هزار کودک ناقص الخلقه و دارای اختلالات مختلف به دنیا آورند.

عامل نارنجی درواقع نوعی سم قوی است که ترکیب شیمیایی آن دیوکسین نوع «۲،۳،۷،۸-تترا کلرو دی بنزو پارا دیوکسین» می‌باشد و عامل انواع سرطان‌ها، بیماری‌های سیستمی و به وجود آمدن نوزادانی با اشکال غیر معمول است.

هدف‌های دیگر برگ‌زدایی این بود که مناطق روستایی این بخش از ویتنام را تضعیف کند تا روستاییان که پشتیبان‌های اصلی چریک‌های ویتنام بودند از منطقه گریخته و به شهرهای زیر کنترل ایالات متحده مهاجرت کنند و چریک‌ها با مشکل تغذیه و تدارکات روبه‌رو شوند.

ویتنام از نظر سنتی کشوری وابسته به کشاورزی بود و مردم حتی با نبود جاده‌ها و راه‌های مواصلاتی از بیراهه‌ها، راه‌های جنگلی و غیره استفاده می‌کردند. بنابراین آمریکا به همراه عامل نارنجی از عامل آبی نیز استفاده نمود و علاوه بر جنگل‌هایی که مکان پنهان شدن ویت کنگ‌ها بود، کشتزارها و انبارهای مواد غذایی را نیز مورد هدف قرار داد که تاثیر بیشتری بر سخت شدن زندگی مردم ویتنام داشت.

نه تنها ویتنام بلکه دو کشور همسایه یعنی لائوس و کامبوج که سرزمین آنها گهگاهی محل عبور ویت کنگ‌ها بود نیز طعم عامل نارنجی را چشیدند. داستان عامل نارنجی و آبی به ناپود ۱،۰۳۴،۰۰۰ هکتار جنگل‌های استوایی و ۶۸۸،۰۰۰ هکتار زمین کشاورزی ختم نشد و فقط در زمان جنگ ویتنام ۸،۴ میلیون نفر آلوده به عامل نارنجی شدند و عامل نارنجی وارد آب رودخانه و چرخه آب گردید که اثرات آن تا نسل‌های آینده نیز باقی مانده است.

عامل نارنجی نه تنها مردم و طبیعت ویتنام بلکه به ارتش آمریکا نیز ضرر زد و ۲۰۰ هزار سرباز آمریکایی آلوده به این ماده نزدیک به ۱۱ میلیارد دلار خرج درمان بر روی دست دولت آمریکا گذاشتند. علاوه بر کشور ویتنام، این ماده در کارخانه‌های تولید و محل‌های نگهداری آن، در جزایر جنوب آسیا و فلیپین و کره جنوبی نیز آلودگی ایجاد کرد.

با شنیدن کلمه حمله شیمیایی یا سلاح شیمیایی، ذهن اکثر ما به حملات ناخواه‌مردانه رژیم بعث عراق به مناطق جنگی و مسکونی کشور در سال‌های دفاع مقدس معطوف می‌شود.

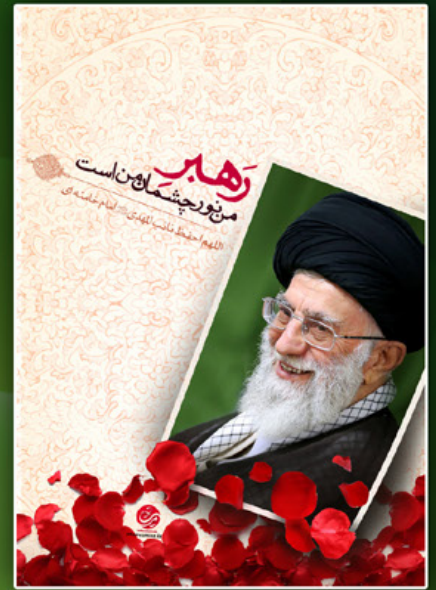
حدود دو سال گذشته و در ادامه درگیری‌ها در سوریه و استفاده تروریست‌های تکفیری از سلاح‌های شیمیایی در شهرهای سوریه از جمله دمشق علیه نیروهای بشار اسد، ناگهان جنجال رسانه‌ای عظیمی در رسانه‌های غرب‌گرا علیه دولت سوریه ایجاد شد مبنی بر استفاده نیروهای اسد از سلاح شیمیایی که تا آماده شدن نیروهای غربی برای حمله به سوریه و سرنگونی نظام آن ادامه داشت؛ موضوعی که بسیاری را به یاد بهانه حمله آمریکا به عراق انداخت. هرچند غائله سلاح‌های شیمیایی سوریه تمام شد اما آیا کسی از خود پرسید که ایالات متحده آمریکا که خود را سردمدار مبارزه با این سلاح‌ها معرفی کرده آیا همچون داستان بمب هسته‌ای، تا به حال طعم تلخ سلاح شیمیایی را به ملتی چشانده یا نه؟!

سال‌های جنگ ویتنام همیشه تداومی کننده تجاوز، بمباران‌های بی انتها و نابودی حقوق بشر به معنای واقعی کلمه است. دو دولت ویتنام شمالی و جنوبی که یکی وابسته به شوروی و دیگری وابسته به آمریکا بود و مردمی که در این میان فقط مرگ را لمس می‌کردند. آمریکا ابتدا در مقام حمایت از متحد خود یعنی ویتنام جنوبی حملات معدودی به شمال داشت تا اینکه آرام آرام وارد معرکه‌ای بی انتها در باتلاق ویتنام شد

یکی از ورق‌های ننگین کارنامه یانکی‌ها در ویتنام، استفاده از سلاح‌های شیمیایی با نام‌های «عامل نارنجی» و «عامل آبی» بوده است. ویتنام از لحاظ جغرافیایی و طبیعی کشوری با جنگل‌های فوق العاده انبوه و فراوان است. جنگل‌هایی که فرصت و توان حملات چریکی مناسبی به رزمجویان «ویت کنگ» میداد تا به راحتی به سربازان آمریکایی حمله کنند و بعد از درگیری در عمق جنگل مخفی شده و به محل‌های امن فرار کنند.

نیروهایی آمریکایی بعد از اینکه بارها از این گونه حملات آسیب‌های جدی دیدند درصدد یافتن راهی برای مقابله با آن برآمدند.

هوایپماهای C۱۲۳، C۱۳۰ و هلیکوپترهای هیویی و شینوک جلودار این حملات بودند و سم عامل نارنجی را بر فراز جنگل‌های ویتنام پخش می‌کردند. بعد از مدت کوتاهی برگ‌های درختان و سایر گیاهان شروع به ریختن می‌کردند و سربازان آمریکایی می‌توانستند بدون ترس از کمین ویت کنگ‌ها! شروع به پیشروی در ویتنام کنند.



فردوسی

اسلام استکبارستیزی

نویسنده: matinemani

همواره اندیشه «وحدت جهان اسلام» از جمله دغدغه‌های فکری و دیرینه رهبران و مصلحان دینی بوده است. این موضوع، در طول دوران اجتماعی سیاسی انقلاب، مورد تأکید رهبران فرزانه انقلاب بوده است. وفاداری صادقانه مردم انقلابی ایران به «وحدت» نه تنها ایران را به برجسته‌ترین کشور انقلابی جهان اسلام تبدیل نمود، بلکه توانسته‌اند در میان فرقه‌ها و کشورهای مختلف اسلامی نیز جایگاه رفیع کسب نمایند. با نگاهی گذرا به سیره نبوی و تحلیل رویدادها و حوادث ویژه تاریخ اسلام و بازشناسی موضع‌گیری‌های پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در برابر حوادث گوناگون زمان، مسئله «وحدت» و نقش مؤثر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در ایجاد و گسترش وحدت در جهان اسلام و لزوم تأسی به آن حضرت در همین زمینه قابل توجه است.

دو مقوله و شعار «وحدت ملی» و «وحدت جهان اسلام»، از جمله مفاهیم کلیدی و برجسته در مباحث مربوط به توسعه سیاسی و اقتصادی هر کشوری ایفا می‌کند. کالبد شکافی این مفاهیم و بیان شاخص‌ها، آثار و پیامدهای آن، منظومه فکری هدف‌مندی را آشکار خواهد نمود که دلایل مخالفت، سنگ‌اندازی و سعی در به انحراف کشاندن این شعار توسط استکبار را بیان خواهد کرد.

به تعبیر رهبر معظم انقلاب (حفظه‌الله): «همبستگی و اتحاد ملت و اعتصام به ایمان الهی مهم‌ترین سلاح‌های ملت ایران برای خنثی‌سازی توطئه‌ها و تمهیدات دشمن هستند.»^(۱) از این‌رو، می‌توان گفت: به هر میزان وحدت و انسجام اجتماعی، سیاسی ملی و نیز اتحاد جهان اسلام در برابر دشمنان بیشتر باشد، جهان اسلام با داشتن آرمان و اهداف مشترک، بهتر می‌تواند در مسیری واحد به سوی اهداف موردنظر حرکت کند.

مقصود از وحدت امت اسلامی، تحقق آن در سراسر جهان اسلام با به کارگیری ابزار تحقق امت واحد، به عنوان یک آرمان نهایی است. بنابراین، از نظر مفهومی، وحدت اسلامی، از جهت روش و ابزارمندی آن شامل تمامی تصمیم‌سازی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، اتخاذ روش‌های واحد، بهره‌گیری از امکانات مشترک، و تدابیری می‌شود که نتیجه و پیامد آن، تحقق تمدن اسلامی است. از این‌رو، خداوند متعال؛ چنگ‌زدن و اعتصام به حبل محکم الهی را، زمینه و مقدمه نجات جامعه از هلاکت و نیز سعادت و هدایت جامعه اسلامی برمی‌شمارد: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل‌عمران: ۱۰۳) از سوی دیگر، خداوند متعال در قرآن کریم، به شدت کسانی را که در پی اختلاف‌افکنی هستند و یا در پی ایجاد وحدت بین امت اسلامی نیستند، سرزنش و مذمت می‌کند و آن را مانند ملل پیشین قلمداد نموده که پس از هدایت الهی، باز به سمت اختلاف تمایل یافتند و سزاوار عذاب عظیم شدند: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ...» (آل‌عمران: ۱۰۵)

در این بین آنچه که امروزه بیشتر در مورد آن بحث می‌شود؛ رویکرد تاکتیکی به مسئله وحدت است. از یک‌سو، با توجه به پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و حضور دین در عرصه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و به چالش کشیده شدن ایدئولوژی لیبرالیسم توسط ایدئولوژی اسلامی و از سوی دیگر، با توجه به اینکه استکبار جهانی با بهره‌گیری از همه امکانات و ابزارهای مادی خود، به مقابله با وحدت جهان اسلام برخاسته و نظام اسلامی و جهان اسلام را با تهدیدها و

چالش‌های جدی مواجه کرده است، به گونه‌ای که اگر این تهدیدها و چالش‌ها به فرصت تبدیل نشود، و به طور شایسته با آنها مقابله نشود، صرف‌نظر از وحدت، اساس اسلامی در این هجمه با خطرات جدی مواجه خواهد شد. بنابراین، «وحدت» و «اتحاد» می‌تواند یک تاکتیک راهگشا برای مقابله با تهدیدهای دشمن محسوب شود اما این رویکرد، به ایجاد تمدن اسلامی ختم نخواهد شد. درواقع رویکرد به وحدت، باید استراتژیک و راهبردی باشد.

با عنایت به آیات عدم تفرق، عدم تنازع و عدم اختلاف، و همچنین سنت و سیره عملی نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، دعوت به «وحدت» و «اتحاد» و لزوم حفظ آن، صرفاً یک توصیه اجتماعی و نیاز مقطعی و تاکتیکی سیاسی و اقدام عملی برای حفظ منافع مادی مشترک نیست، بلکه تلاش برای حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه، واجبی عینی است که ریشه در اعتقاد به وحدانیت دارد. هر چند از این منظر هم، رویکرد تاکتیکی به مسئله نفی نمی‌شود؛ به این معنا که اگرچه وحدت و اتحاد مسلمانان، از اهداف راهبردی نظام و جهان اسلام است که به طور وسیع و در بلندمدت قابل دسترسی است، اما امروزه، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به تهدیدها و چالش‌هایی که استکبار جهانی برای اسلام به وجود آورده، برای تبدیل آن به فرصت‌ها، از اقدامات تاکتیکی و عملی در این زمینه نیز نباید غفلت کرد.

هر چند تا بحال نظریه وحدت امت اسلامی، به صورت مدوّن و رسمی، اعلان نشده است و تحقق هر ایده و اندیشه‌ای باید مبتنی بر یک چارچوب نظری باشد، اما از مجموع کلام حضرت امام (ع) و رهبر معظم انقلاب (حفظه‌الله)، به عنوان بنیانگذار و پرچمداران این شعار، می‌توان تحقق «وحدت سیاسی جهان اسلام» را در قالب نظریه سیاسی اسلام، به عنوان امری راهبردی و استراتژیک تلقی کرد. ایشان در کلام گرانبخیز خود؛ درحالی که مبارزه «فرهنگی و عقیدتی» را زیربنای مبارزه «سیاسی و حکومتی» معرفی کرده‌اند، تغییر و تحول بنیادین در جوامع اسلامی و آزاد کردن مسلمانان از واگرایایی، بدون برنامه‌ریزی اساسی، بنیادین و ریشه‌دار فکری امکان‌پذیر نمی‌دانند. لذا ایجاد وحدت امت اسلام، در دو محور قابل تحلیل است: راهبرد

فرهنگی و عقیدتی و راهبرد سیاسی و حکومتی.

وضعیت کنونی جهان اسلام، معلول شرایط و عوامل بسیاری از جمله، افراطی‌گری، انحطاط فکری، فرهنگی و اعتقادی مسلمانان است که از سلطه قدرت‌های استعمارگر بر آنان نشأت گرفته است؛ استعمارگرهایی که همواره در جهت مسخ هویت فکری و فرهنگی ملت‌های اسلامی گام برمی‌دارند. رهایی از این وضعیت، و نیل به وضعیت مطلوب و آرمانی، تنها در پرتو زدودن ریشه‌های انحطاط فکری، فرهنگی و عقیدتی امکان‌پذیر است. این امر، بیش از پیش، ضرورت بسیج همه امکانات ملت‌ها و دولت‌های اسلامی را تحت یک استراتژی مشخص و فراگیر روشن می‌سازد. بنابراین، جهان اسلام به عنوان مجموعه‌ای واحد، که دارای سوابق تاریخی، فرهنگی، عقیدتی و سیاسی مشترک هستند، می‌باید بازگشت به اصالت تاریخی و فرهنگی را سرلوحه حرکت خود قرار داده، و مؤلفه‌های هویت دینی و ملی را به خوبی شناسایی و درونی نمایند.^(۱)

در امر برنامه‌ریزی و سازماندهی حرکتی جامع و فراگیر به سوی وحدت و تمدن اسلامی، داشتن آرمان مشترک، اهداف مشترک و استراتژی و نیز درد مشترک و ارتباط صمیمی و مستحکم ذهنی و معنوی، در میان جریان و نیروهای همسو برای حرکت به سمت و سوی اهداف مشترک بسیار ضروری است. حرکت‌های گروهی، بدون برخورداری از پشتوانه یک نظام فکری منسجم و خلاق، که ارزش‌ها، باورها و هنجارهای یکسانی را خلق کند، فرین موفقیت و پیروزی نخواهد بود که نمونه این نوع از حرکت‌ها را در انقلاب برخی از کشورهای اسلامی شاهد بودیم که استکبار با سوء استفاده از این خلاء، نفوذ کرد و ضربه نهایی را بر پیکره انقلاب‌های اسلامی منطقه وارد ساخت. حضرت امام^(ع) با اعتقاد به چنین امری، خلأ فکری، فرهنگی و اعتقادی موجود در جوامع اسلامی را به خوبی درک می‌کرد. از این رو، برای رفع این خلأ، بنیان نظامی فکری، فرهنگی و سیاسی را در دوران تبعید و در شهر نجف پایه‌گذاری نمود که حاصل این بنیان فکری، تدوین و بازسازی نظریه «حکومت اسلامی» بر مبنای اسلام سیاسی و انقلابی بود.

از منظر امام^(ع)؛ بحران اصلی موجود در جهان اسلام، معلول فاصله گرفتن دولت‌ها و ملت‌های اسلامی از آموزه‌های وحیانی و حیات‌بخش اسلام و اتکای مسلمانان به قدرت‌های استکباری غرب و شرق می‌باشد. از این رو، تنها راه رهایی از این معضلات، بازیابی مفاهیم سه مفهوم اساسی و کلیدی «اسلام»، «آزادی» و «استقلال» است. در واقع، بازیابی این سه مفهوم، امکان بازسازی و بازیابی هویت اسلامی را فراهم می‌نماید.

اما زمانی «نظام فکری واحد»، در ایجاد باورها و ارزش‌های مشترک تأثیر مطلوب خواهد داشت که این نظام جایگاه مناسب خود را در میان ملت‌ها به خوبی باز یافته، و افکار عمومی را شدیداً تحت تأثیر خود قرار دهد؛ زیرا همگرایی، زمانی به وحدت و همیاری در سطح ملت‌ها منجر می‌شود که اولاً، یک جهت فکری و ذهنی واحد تحقق یافته باشد. ثانیاً، روابط متقابل اجتماعی از استحکام لازم برخوردار باشد. ثالثاً، منافع عام اسلامی در این وحدت وجود داشته باشد.

پس از توسعه سازمان‌یافته نظام فکری، فرهنگی و عقیدتی، که مسیر و هدف مبارزه را به خوبی مشخص می‌کند و انسان مسلمان به منزلت انسانی، هویت دینی و ملی خود آگاه گشته است، به تدریج زمان آغاز مبارزه یعنی فعالیت‌های سیاسی عملی بر ضد استکبار و حاکمان خودفروخته به تدریج در سطح ملت و دولت‌ها فرا می‌رسد. هرگاه این عامل در داخل سرزمین‌های اسلامی تغییر بنیادی یابد و حکومت‌ها، ملی و اسلامی گردند، «وحدت»، که خواست اصلی ملت‌ها و دولت‌هاست، تحقق پیدا خواهد کرد. امام خمینی^(ع) در بیان نقش تعیین‌کننده دولت‌های مردمی در تحقق عینی «وحدت» می‌گویند: اگر حکومت‌کنندگان کشورهای اسلامی نماینده مردم با ایمان و مجری احکام اسلامی بودند، اختلافات جزئی را کنار می‌گذاشتند، دست از خرابکاری و تفرقه‌اندازی برمی‌داشتند و متحد می‌شدند و ید واحد می‌بودند.^(۲)

استکبار به خوبی می‌داند بعد از وحدت و اتحاد فریق و دولت‌های اسلامی به گونه‌ای مطلوب، عملاً موانع خاصی در راه جهان شمول شدن اسلام واقعی وجود نخواهد داشت و بهتر می‌داند «وحدت جهانی اسلام» که در اندیشه سیاسی اسلام به عنوان راهبردی اساسی و فلسفه نهایی حکومت‌ها شناخته می‌شود، مانع واقعی خوی استکباری و دد منشی‌های آنها است. چنانچه امام^(ع) با استناد به کلام پیشوایان دینی به این فلسفه وجودی حکومت‌ها اشاره نموده و می‌گوید: تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است چنان‌که حضرت زهرا^(علیها السلام) در خطبه خود می‌فرماید که «امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است».^(۳) یک نظام اسلامی واقعی، اصولاً می‌بایست به سمت و سوی همیاری و همسویی با سایر حکومت‌های اسلامی و در نهایت تحقق عینی تمدن اسلامی حرکت کند. اگر چنین نباشد، در خلاف مسیر واقعی خود حرکت نموده است.

۱) فرازی از پیام نوروزی، سال ۱۳۸۴.

۲) امام خمینی، ولایت فقیه تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۱۷۵.

۳) در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر پانزدهم، ص ۱۵۷، ۱۵۸.

۴) همان، ص ۱۵۷.



جنگ صلح

نویسنده: Soode

مقدمه

در دین اسلام همواره روحیه جنگ ستیزی و کشورگشایی نفی شده است و در مقابل مسأله جهاد به عنوان اقدامی دفاعی، انسان دوستانه و در راستای گسترش صلح و امنیت جهانی، در پرتو حاکمیت الهی تجویز شده است؛ حاکمیتی که به نفی و مقابله با حاکمیت طاغوت و ظلم و بی عدالتی می‌پردازد.

از آنجا که اسلام دینی است که در جهت بیداری ملت‌های مظلوم دنیا و بیرون آوردن آنان از زیر یوغ مستکبران، اهداف جهانی را دنبال می‌کند، طبیعی است که حکومت‌های طاغوت، اسلام حقیقی را مانعی برای اهداف شوم خود می‌دانند و درصدد برآمده‌اند با تخریب آموزه‌های اصیل اسلام و ارائه چهره‌ای خشن از آن، دافعه‌ای در برابر این دین به وجود آورند تا مردم دنیا از آن فاصله بگیرند و پی به ماهیت بشردوستانه و ظلم ستیز آن نبرند.

یکی از فروع دین مبین اسلام مسأله جهاد است. برداشت‌های شخصی و تفسیر به رأی از آیات جهاد علی‌الخصوص بین گروه‌های افراطی و تندرو، منجر به این شده است که دشمنان اسلام با بهانه کردن این موضوع و البته در پشت پرده، کمک و حمایت از این گروه‌ها، به اسلام هراسی در دنیا دامن بزنند. در سال‌های اخیر و با ظهور و بروز گروه‌های مختلف افراطی در منطقه غرب آسیا که بهانه‌شان برپایی حکومت اسلامی است و تفسیرهای شخصی خودشان را از احکام اسلام دارند، پدیده اسلام هراسی رنگ تازه‌ای به خود گرفته است.

انواع جهاد در اسلام

جنگ اگر با نیّت جاه طلبانه و به بهانه کشورگشایی و استعمار سرزمین‌های دیگر باشد نزد هر عقل سلیمی نکوهیده شمرده می‌شود و از آنجا که دین اسلام بر پایه عقل و فطرت بنا شده است، چنین امری را نمی‌پسندد. اما گاهی شرایطی پیش می‌آید که این جنگ به منزله دفاع از وطن خویش و رد تهاجم و تجاوز

دشمن صورت می‌گیرد و اصطلاحاً جهاد تدافعی است؛ و جوب دفاع از سرزمین‌های اسلامی از ضروریات فقه اسلام است.

نوع دیگری از جهاد، جهاد ابتدایی است که به منظور دعوت کافران به اسلام و برداشتن موانع رشد و گسترش اسلام صورت می‌گیرد. گاهی نیز جهاد ابتدایی به منظور اصلاح بین دو گروه مسلمین یا دو کشور اسلامی که با هم وارد جنگ شده‌اند و یکی حاضر به پذیرش صلح نیست، انجام می‌شود. در آیه ۹ سوره حجرات به مسلمانان گفته شده که اگر دو گروه به جان هم بیفتند و با یکدیگر درگیر شوند وظیفه سایر مسلمین این است که اختلافات آنها را برطرف نموده و بینشان صلح برقرار کنند و اگر یکی از آنان کوتاه نیامد و علی‌رغم آمادگی طرف مقابل برای صلح، همچنان تعدی کرد، اسلام به مسلمانان اجازه می‌دهد که به جنگ گروه متجاوز بروند و با او جهاد ابتدایی کنند.

جهاد ابتدایی نشان دهنده رأفت اسلامی

اعتقاد ما به کمک به ملت مظلوم فلسطین نیز از همین جا شکل می‌گیرد. جهاد ابتدایی نه تنها خشونت نیست بلکه نشان دهنده رحمت و توجه اسلام به مظلومین و ستم‌دیدگان است.

اولین باری که آیات جهاد نازل شد در سال دوم هجرت بود، آیات ۲۸-۴۱ سوره حج نازل شد و پس از آن بود که مسلمانان توانستند در برابر کفار و مشرکان از خودشان دفاع کنند. تا قبل از آن و حتی با وجود اذیت و آزارهای فراوان کفار مکه، به پیامبر^(ص) اجازه هیچ نوع جنگی داده نشده بود. در این آیه نیز اشاره می‌شود به اینکه این افراد به ناحق از شهر و دیار خودشان بیرون شده‌اند و لحن این آیات، دفاعی است. پس از آن نیز قرآن ادامه می‌دهد که اگر خدا به وسیله بعضی جلوی تهاجم بعضی دیگر را نگیرد مراکز عبادت از مسجد گرفته تا صومعه و کنیسه از بین می‌روند. درواقع جهادی که اینجا مطرح می‌شود به منظور جلوگیری از تهاجم* است. (جهاد، مرتضی مطهری، ص ۳۵)

آیه ۲۹ سوره توبه یکی از آیات جهاد است که دستور به جنگ با اهل کتاب می‌دهد. البته نه همه اهل کتاب بلکه آنان که به خدا و آخرت ایمان ندارند. این آیه می‌گوید با آنان بجنگید تا هنگامی

که راضی به جزیه دادن شوند و وقتی حاضر شدند جزیه بدهند و در مقابل شما خاضع شدند دیگر نجنگید. (جزیه پولی است که از اهل کتاب گرفته می شود بخاطر اینکه در ظل حکومت اسلامی زندگی می کنند و خدمات دولت و جهاد آن نیز به آنها منفعت می رساند.) (جهاد، مرتضی مطهری، ص ۱۰۶)

آیات جهاد در قرآن هم به صورت مطلق و هم به صورت مقید آمده اند و از آنجا که بعضی آیات دستور قید را دارند بنابراین باید دستورات مطلق را نیز، قید بزینم. مثلاً آیه ۲۹ و ۷۳ توبه دستور جنگ با کفار به صورت مطلق آمده ولی آیه ۱۹۰ بقره می فرماید با مومنانی که با شما می جنگند بجنگید و از حد تجاوز نکنید. از این رو نمی توانیم دستور مطلق جنگ با کفار را برداشت کنیم. این درواقع همان اجازه جهاد تدافعی است.

جایگاه صلح در آموزه های اسلام

با بررسی و تأمل در آیات قرآن و روایات رسیده از ائمه معصومین (علیهم السلام) می توان این مطلب را دریافت که اسلام دینی بر پایه صلح و دوستی است و البته این صلح تا آنجا مورد قبول است که عزت اسلام و مسلمانان به خطر نیفتد. زیرا صلحی که از روی ذلت پذیرفته شود، صلح نیست بلکه تسلیم شدن در برابر متجاوزان است. خداوند در آیه ۲۰۸ سوره بقره می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید همگی در صلح و آشتی درآیید و از گام های شیطان پیروی نکنید.» این آیه به لزوم صلح و آشتی بین مؤمنان می پردازد زیرا اگر بین مؤمنان اختلاف بیفتد و دچار تفرقه شوند، دشمنان بر آنها مسلط خواهند شد.

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه ذیل این آیه می نویسد: «بعد از اشاره به دو گروه (گروه مؤمنان بسیار خالص و منافقان مفسد) در آیات گذشته، همه مؤمنان را در این آیه مخاطب ساخته، می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی در صلح و آشتی درآیید.» سلم در لغت به معنی صلح و آرامش است و بعضی آن را به معنی اطاعت تفسیر کرده اند و این آیه همه افراد با ایمان را به صلح و سلام و تسلیم بودن در برابر فرمان خدا دعوت می کند.

از مفهوم این آیه چنین استفاده می شود که صلح و آرامش تنها در پرتو ایمان امکان پذیر است و تنها به اتکاء قوانین مادی جنگ و ناامنی و اضطراب از دنیا بر چیده نخواهد شد؛ بلکه می توان گفت از دعوت عمومی این آیه، که همه مؤمنان را بدون استثناء از هر زبان

و نژاد و منطقه جغرافیایی و قشر اجتماعی، به صلح و صفا دعوت می کند، استفاده می شود که در پرتو ایمان به خدا، تشکیل حکومت واحد جهانی که صلح در سایه آن همه جا آشکار گردد امکان پذیر است»

در آیه ۶۱ سوره انفال خداوند به صراحت به پیامبر (ص) می گوید که اگر مخالفین تو آماده صلح بودند، تو نیز صلح طلب باش. زیرا اسلام دینی صلح طلب است. ولی با این حال به پیامبر و مسلمانان هشدار می دهد که ممکن است در پیشنهادهای صلح، خدعه و نیرنگی در کار باشد و صلح را مقدمه ای برای ضربه غافلگیرانه ای قرار دهند یا هدفشان تاخیر جنگ برای فراهم کردن نیروی بیشتر باشد اما از این موضوع نیز نگرانی به خود راه مده زیرا خداوند کفایت کار تو را می کند و در همه حال پشتیبان تو است (آیه ۶۲).

امام علی (علیه السلام) نیز در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر، اشاره به اولویت صلح در برخورد با دشمن دارند و می فرمایند: «هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که خشنودی خداوند در آن است رد مکن» و نتایج آن را تأمین «آسایش رزمندگان»، آرامش فکری رهبر جامعه و «امنیت کشور» می شمارند. البته تأکید می کنند که «چشم از دشمن بردار، زیرا گاهی پس از آشتی کردن، دشمن نزدیک می شود تا غافلگیرت کند.»

قرآن البته صلح از روی ترس را مذموم می شمارد. در آیه ۳۵ سوره محمد (ص) آمده است: «هرگز سست نشوید و دشمنان را به صلح (ذلت بار) دعوت نکنید در حالی که شما برترید و خداوند با شماست و چیزی از ثواب اعمالتان را هرگز کم نمی کند.» این آیه یکی از نکات مهم جهاد را بیان می کند که گاهی در اثنای جهاد، برخی افراد سست و ترسو مسأله صلح را بیان می کنند. مسلماً صلح بسیار خوب است اما در جای خود، صلحی که تأمین اهداف والای اسلامی کند، و حیثیت و عظمت و آبروی مسلمین را حفظ نماید، نه صلحی که آنها را به خواری و ذلت کشاند. (تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۸۹)

درو اقع اسلام حقیقی، نه تنها دین تعدی و تجاوز و ناسازگاری و جنگ نیست، بلکه همانطور که قبلاً نیز ذکر شده است، دستورات و فرامین آن از جمله جهاد، اقدامی انسان دوستانه با هدف گسترش صلح و امنیت در پرتو حاکمیت الهی و مبارزه با ظلم و بی عدالتی مستکبران است.



شهید احمد شوشی



ارسال شده توسط: mamitavanim92

وصیت به پدر و مادرم:

پدر و مادرم! همچنان که تا الآن صبر کرده اید از خدا می‌خواهم صبر بیشتری به شما عطا کند. فعالیتتان را در راه خدا بیشتر کنید. در عزایم ننشینید، می‌گویم گریه نکنید ولی اگر خواستید گریه کنید به یاد امام حسین (علیه السلام) و کربلا و پدر و مادرائی که پنج فرزندشان شهید شده گریه کنید که اگر گریه‌های امام حسینی و تاسوعا و عاشورایی نبود، اکنون یادی از اسلام نبود. پشت جبهه را برای منافقین و ضد انقلاب خالی نگذارید، در مراسم عزاداری بیشتر شرکت کنید که این مراسم شما را به یاد شهیدان می‌اندازد و این یاد شهیدان است که مردم را منقلب می‌کند. امام را تنها نگذارید. فراموش نکنید که شهیدان نظاره‌گر کارهای شمایند.
ما زنده به آنیم که آرام نگیریم. موجیم که آسودگی ما عدم ماست

والسلام

قطره ای از دریای خروشان حزب الله

احمد کشوری

بسم الله الرحمن الرحيم

خدایا شیطان را از ما دور کن

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند
روبه صفتان زشت خو را نکشند
پایان زندگی هر کسی به مرگ اوست
جز مرد حق که مرگش آغاز دفتر اوست

هر روز ستاره‌ای را از این آسمان به پایین می‌کشند اما باز این آسمان پر از ستاره است. این بار نیز در پی امر امام، دریایی خروشان از داوطلبین به طرف جبهه‌های حق علیه باطل روان شد و من قطره‌ای از این دریایم و نیز می‌دانید که این اقیانوس بی پایان است و هر بار بر او افزوده می‌شود. راه شهیدان را ادامه دهید که آنها نظاره گر شمایند مواظب ستون پنجم باشید که در داخل شما هستند. بی تفاوتی را از خود دور کنید، در مقابل حرف‌های منحرف بی تفاوت نباشید. مردم کوفه نشوید و امام را تنها نگذارید. در راهپیمایی‌ها بیشتر از پیش شرکت کنید. دعا‌های کمیل شرکت کنید. فرزندان را آگاه کنید. و تشویق به فعالیت در راه الله کنید.



خاکپاره‌ها

ارسال شده توسط: zaerolhoseine

شهید رسول هلالی متولد تیر ماه سال ۱۳۳۶ پس از اخذ دیپلم از هنرستان فنی و همینطور دیپلم ادبی به خدمت نظام رفت. با فرمان حضرت امام از سربازخانه فرار کرد و بقیه خدمت را پس از انقلاب به اتمام رسانید. او به خاطر علاقمندی زیاد به علوم اسلامی به صورت طلبه تمام وقت در مدرسه امام صادق علیه السلام مشغول تحصیل گردید. با شورش ضد انقلاب در کردستان و ضرورت دفاع از کیان اسلام تصمیم به حضور در کردستان گرفت و مشتاقانه به سوی آن منطقه شتافت. ابتدا در روابط عمومی سپاه و بعد از آن به عنوان فرماندهی سازمان پیشمرگان مسلمان گرد سنندج مشغول به خدمت شد. رسول با حسن خلق، اخلاص و صمیمیت فوق العاده، محوریتی برای جذب و هدایت پیشمرگ‌های مسلمان کرد و مردم آن منطقه بود.

یکی از هم‌زمان شهید می‌گوید: «ضد انقلاب قصد نفوذ به یکی از روستاهای کردستان را داشت. آنها در این روستا توانسته بودند اذهان ساده لوحان را با تبلیغات دروغین به سوی خود جلب نمایند. به فرماندهی شهید هلالی و گروهی از رزمندگان وارد آن روستا شدیم. عده‌ای از روی پشت بامها به ما سنگ می‌زدند و فحاشی می‌کردند. شهید هلالی دستور داد که هیچ گونه عکس‌العملی نشان ندهید. موقع نماز ظهر وارد مسجد شدیم و نماز را دسته جمعی به پیش‌نماز اهل سنت آن روستا اقتدا نمودیم. شهید هلالی پس از اتمام نماز برای اهالی آن روستا صحبت کرد و با استفاده از آیات قرآن و ترجمه و تفسیر آن، پیام انقلاب و رزمندگان اسلام در کردستان را به گوش اهالی آن روستا رساند. پس از اتمام سخنرانی از مسجد خارج شدیم. ناگهان شور و غلغله‌ای به وجود آمد. مردم روستا آمدند و بر چهره ما بوسه زدند. واقعاً عجیب بود؛ مردم آن روستا از دیدن نحوه برخورد و سخنرانی شهید هلالی کاملاً متحوّل شده بودند.»

سرانجام این عاشق دل‌سوخته، معلم مهذب و سردار رشید در پنجم خرداد ماه سال ۱۳۶۱ در جریان یک درگیری مورد اصابت تیر خصم قرار گرفت و خونش خاک کردستان را رنگین کرد. در شهادت او پیشمرگان بیش از دیگران خود را عزادار می‌دیدند و در مراسم تشییع او عزاداری می‌کردند.

یکی از پیشمرگان مسلمان کرد می‌گوید: «هنوز هم پس از سال‌ها که از شهادت برادرمان رسول هلالی می‌گذرد، درون خانه هم‌زمان کرد او عکس قاب گرفته شهید هلالی به چشم می‌خورد. پیشمرگان کرد هنوز هم او را مسئول خود و مشکل گشای گرفتاری‌های خود می‌دانند. به عکس او، یعنی در واقع به روح او متوسل می‌شوند و حاجت می‌گیرند.»



فرمان

نویسنده: [ayan313](#)

سال ۲۳ هجری همزمان با به خلافت رسیدن خلیفه سوم، جلسه‌ای با حضور بزرگان بنی امیه در خانه تاریک و بدون پنجره ابوسفیان شکل می‌گیرد. ابوسفیان نابینا بعد از اطمینان از خودی بودن افراد حاضر می‌گوید: «حالا که فردی از آل امیه به خلافت رسیده نگذارید خلافت را از بنی امیه بگیرند و این مسند را مانند توپ به هم پاس دهید.»

به لطف جهل و نادانی مردم در دوران کوتاه خلافت امیرالمومنین علی^(ع)، معاویه به خوبی از عهده ماموریت پدر برمی‌آید و امام^(علیه السلام) در تنهایی و بی وفایی جماعت، موفق به اجرای حکم خدا بر معاویه نمی‌شود و او حکومت دمشق را بر خود نگه می‌دارد.

با شهادت امیرالمومنین در رمضان سال ۴۰، کوفیان پیشیمان از کرده خویش با فرزند ارشد خلیفه بیعت کرده و با فشار و اصرار فراوان به حسن بن علی^(علیه السلام)، او را مجبور به جنگ با معاویه می‌کنند تا در قالب این عمل، بی‌معرفتی خود را نسبت به خلیفه قبل جبران کرده و انتقام شهدای صفین را از شامیان بگیرند.

بدین ترتیب از بصره، کوفه و مدائن به سپاه امام می‌پیوندند. لشکرگاه ۱۲ هزار نفری امام حسن^(ع) در مرز عراق و شام در ساباط مدائن اردو می‌زنند. به طور کلی می‌توان اصحاب امام حسن^(علیه السلام) را به چهارگروه تقسیم کرد:

- ۱_ شیعیان واقعی و راستین (سلیمان صد خزاعی، حجر بن عدی)
- ۲_ باقیمانده خوارج (شمر بن ذی الجوشن، اشعث کندی)
- ۳_ خونخواهان خلیفه سوم (نفوذی و جاسوسان معاویه)
- ۴_ کوفیان و عراقی‌ها، قبایل یمن، موالی ایرانی

راهکار پیشنهادی عمروعاص به معاویه برای مقابله با حسن مجتبی^(علیه السلام) تئوری صلح است. شمشیر دو لبه‌ای که معاویه در صورت شکست و پیروزی می‌تواند از آن به نفع خود استفاده کند. اگر شکست بخورد خود را صلح طلب و مظلوم معرفی کرده و اگر بر حسن بن علی پیروز شود او را به خاطر جنگ طلبی سرزنش می‌کند. از این رو خطیبان و سخنوران معاویه در شام بر روی منابر خطبه و حدیث صلح را می‌خوانند.

با تحریکات خودجوش و افزایش اتحاد در اردوگاه امام حسن مجتبی^(ع) عمروعاص تمامی توان اطلاعاتی خود را به کار می‌گیرد و به جاسوسان دستور می‌دهد تا در لشکر ابامحمد تفرقه ایجاد کنند، به اختلاف عرب و عجم دامن زنند، شایعه کنند که امام حسن^(علیه السلام) با معاویه ترک مخاصمه کرده و سرداران یمنی به او پشت کردند، به سپاهیان ابامحمد وعده ثروت و مقام دهند.

عمروعاص در اقدامی دیگر عده‌ای را مامور می‌کند تا با ظاهر و شمایل یاران امام به شهرها یورش برده و به قتل و غارت پردازند. به این ترتیب عملیات روانی و جنگ تبلیغاتی گسترده‌ای علیه امام برپا می‌شود.

با افزایش تشنج و تزلزل در اردوگاه ساباط، امام در خطبه‌ای اهداف جنگ که اصلاح امور جامعه است را تشریح کرده، یاران را به صبر و شکیبایی و در نهایت به فراندوم برای صلح و یا عدم صلح دعوت می‌کنند: «معاویه ما را به چیزی فراخوانده است که عزت و عدالت در آن نیست. اگر زندگی دنیا را می‌خواهید، می‌پذیریم و این خار در چشم را تحمل می‌کنیم و اگر

مرگ را بخواهید آن را در راه خدا ارزانی می‌داریم.»
بعد از پایان خطبه، جماعت دنیاطلب فریاد حیاة حیاة سمری دهند و زندگی و دنیا را بر سعادت و عزت ترجیح داده و خواهان صلح با معاویه می‌شوند. امام که از تصمیم ذلت‌بار اصحاب آگاه شدند به خیمه رفته و بیرون نمی‌آیند، تا اینکه طاقت لشکریان بی‌وفا سر آمده و به خیمه امام یورش برده و سجاده از زیر پای او کشیدند. برادران امام، یعنی عباس^(ع) و امام حسین^(ع) با تمام توان از مولای دوم شیعیان دفاع می‌کنند. اما در این میان خنجر زهرآلود از جانب خوارج بر ران حضرت وارد شد.

در چنین اوضاعی، حسن بن علی^(ع) مصلحت جامعه اسلام به خصوص تشکیلات شیعیان را در مصالحه با معاویه دیدند. از این رو با معاویه وارد مذاکره شده و سرانجام در تاریخ ۲۶ ربیع الاول سال ۴۱ در بیانیه‌ای با مفاد زیر به توافق رسیده و با معاویه صلح مشروط کردند:
«حسن بن علی از خلافت کناره‌گیری کرده و از عراق خارج شود. معاویه موافق روش انبیا و صالحان حکومت کند. متعرض شیعیان نشود. دشنام بر علی^(ع) را ترک کند. ولیعهد و جانشین برنگزیند. امنیت مردم را تضمین کند. علیه حسن بن علی^(ع) توطئه نچیند. به اسلام بدعتی اضافه نکند. مبلغی از بیت المال را به خانواده شهدا صفین و جمل اختصاص دهد. از لفظ امیرالمومنین برای خود استفاده نکند.»

در این قرارداد نه تنها شکست و عقب نشینی نمی‌بینیم بلکه عزت و اقتدار به خوبی در درایت امام حسن^(ع) احساس می‌شود به طوری که در این معاهده، معاویه دنیاطلب و خواهان حکومت در تمامی ابعاد سیاست‌های ضد اسلامی خود محدود می‌شود. هرچند در عصر معاویه بندهای این قرارداد نقض شد اما معاویه هیچگاه نتوانست به خاطر این محدودیت‌ها به صورت علنی مسلمانان را بر علیه جریان ناب اسلام و تفکر شیعه با خود همراه کند. علاوه بر ایجاد موانع بر سر راه معاویه برای رسیدن به اهدافش، امام با این نرمش قهرمانانه توانستند شبکه شیعیان را نگه داشته و بعدها با زیرکی و هوشمندی به آن انسجام بخشند.

سرانجام معاویه با نفوذ به بیت امام دوم شیعیان از کانال اشعث کندی و دختر او که همسر امام بود و طرح توطئه بر علیه امام حسن^(ع)، ایشان را به شهادت رساند. اما اگر امام حسن^(ع) به موقع قعود نمی‌کردند و وارد صلح نمی‌شدند چه اتفاقی می‌افتاد؟!

به یقین ایشان باید به تنهایی و به همراه یاران نزدیک خود که از شیعیان مخلص و یا از بنی هاشم بودند با معاویه می‌جنگیدند، که در این صورت بدون اینکه معاویه کاری کند، ابامحمد با خنجر دوستان خائن کشته می‌شدند. چه بسا معاویه هم از روی تزویر مجلس ترحیمی برای امام حسن^(ع) می‌گرفت و همه جا می‌گفت که پسر علی را من نکشتم، او را یارانش کشتند و دست به تحقیر مکتب تشیع می‌زد. حتی شاید این بهانه را دست دشمنان شیعه می‌داد که همه نظام تشکیلاتی تشیع را نابود و قتل عام کنند. با چنین پیش بینی، قطعاً اباعبدالله^(ع) و عباس بن علی در کنار برادر خود کشته

و دیگر نسل و میراثی برای مقابله با دشمنان قسم خورده اسلام باقی نمی‌ماند و ما در تاریخ حادثه عظیم و بی نظیر کربلا و صحنه هوشمندانه آن را هیچگاه نمی‌دیدیم و بعد از معاویه، یزید فاسق و فاسد روی کار می‌آمد و هیچکس هم جلودار گسترش فحشا در جهان اسلام نبود و برای همیشه از شیعه به عنوان مکتبی بدون خرد یاد می‌شد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای^(حفظه‌الله) در این باره می‌فرمایند: «...اصلاً جا برای شهادت نبود. هر کشته شدنی که شهادت نیست. امکان نداشت آن روز کسی بتواند در آن شرایط، حرکت مصلحت آمیزی انجام بدهد که کشته بشود و اسمش شهادت باشد و انتحار (خودکشی) نکرده باشد...»

بسیاری چنین می‌پندارند که اگر حسین بن علی^(ع) به جای امام حسن^(ع) در مقابل معاویه بود دست به شهادت طلبی می‌زد و جنگ می‌کرد، اما در زندگی امام حسین^(ع) می‌بینیم که نه تنها در دوران حیات امام حسن^(ع) بلکه بعد از شهادت ایشان به مدت ۱۰ سال به این صلح در جهت مصلحت جامعه اسلام پابند بودند.

معمولاً در دنیای واژگان، صلح، واژه مخالف جنگ قرار می‌گیرد و این موجب استنباط نادرست از وقایع می‌گردد. در حقیقت صلح نقطه مقابل فساد است. صلح، اعم از جنگ و آشتی است، کما اینکه فساد نیز اعم از جنگ و آشتی است. همه انبیاء^(ع) و همه ائمه^(ع) یک نیت الهی بیشتر نداشتند و آن «اصلاح» وضع بشر و رهایی آنها از اوضاع فلاکت‌بار گرداب «فساد» بوده و در مورد امام عصر^(عج) هم هست. همه انبیاء^(ع) و ائمه^(ع) «مصلح» بودند. حال در برخی شرایط، برای تحقق صلح و اصلاح، اقدام به «جنگ» می‌نمودند، و گاهی نیز برای صلح و اصلاح، مبادرت به «آشتی» می‌کردند.

در واقع هم مجتبی آل عبا و هم حضرت سیدالشهدا اقدام به صلح کردند، یکی با استراتژی قعود و نشست و دیگری با قیام و برخاستن. این جریان در سیره همه معصومین مشهود و قابل درک است به طوری که امام زین العابدین^(ع) با مناجات‌های عاشقانه، امام محمدباقر^(ع) و حضرت جعفرصادق^(ع) با جهاد علمی و فعالیت‌های تشکیلاتی، امام موسی کاظم^(ع) با ایدئولوژی خودشناسی، علی بن موسی^(ع) و حضرت جوادالائمه^(ع) با مناظرات علمی و سیاسی، حضرت علی النقی^(ع) و امام حسن عسکری^(ع) با استراتژی تقیه و شبکه‌های مخفی با توجه به شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی عصر خود در جهت اصلاح امور مسلمین و مخالفت با فساد دستگاه حاکم عمل کردند.





این بار
با «خمینی صغیر»
می‌خواهند، نام و راه
«خمینی کبیر» را
به موزه‌ها ببرند!؟

«انتخابات فرصت فعالیت است»

آقا زاده‌ی ما!



تازه زبانم باز شده و دارم دلم را که مخزن اسرار است، سرفه می‌کنم که آقا زاده می‌زند توی پَرم و می‌گوید: بسیار خوب، دیگر دارم خسته می‌شوم. بعد هم می‌افزاید: راستی من و مامان و خواهر و برادرهایم می‌خواهیم یک ستاد تشخیص مصلحت خانواده تشکیل بدهیم و شما را به عنوان رییس آن انتخاب کنیم.

می‌گویم: این حرف‌ها چیست بچه جان؟! شماها که هرکدام‌تان ماشاالله یک عضو برجسته‌ی نظام خانواده‌ی ما و برای خودتان یک رییس هستید! من هم که خودم را بهتر می‌شناسم و می‌دانم کسی که نمی‌تواند مصلحت خودش را درست تشخیص بدهد، چه طوری می‌تواند مصلحت نظام خانواده‌اش را تشخیص بدهد؟!

حالا هم که رکود محبت را پشت سر گذاشته‌ایم و می‌خواهیم با همه‌ی همسایه‌ها و فک و فامیل‌ها مذاکره کنیم و با آنان ارتباط برقرار کنیم، دیگر شما هیچ مشکل اقتصادی، تربیتی، دینی و اخلاقی نخواهید داشت!

آقا زاده چنان با شگفتی چشم به چشم من می‌دوزد، که یک لحظه فراموش می‌کنم دیگر چه می‌خواستم بگویم! اما این را می‌دانم و می‌ترسم که این وروجک‌های ما آخرش کاری کنند که من و مامان‌شان مجبور شویم پای «برجام سدبف» (برنامه‌ی جامع اقدام مشترک سکوت در برابر فرزندان) را امضا کنیم و بعد هم در باره‌ی فواید و نتایج آن برای فک و فامیل‌های مان کلی سخن رانی کنیم و پز بدهیم! شما را به خدا می‌بینید این بچه‌ها چه بر سر ما، می‌آورند!

می‌گویم این آقا زاده‌ی ما هم (منظورم از آن آقازاده‌هاییست!) عجب‌بچه‌ای است ها! البته در اصل که خانم زاده‌ی من است! منتها فک و فامیل‌ها دوست دارند او را آقا زاده‌ی بنده بخوانند! خب، حالا بگذارید به همین هم دل‌شان خوش باشد! باری، پدرسوخته آمده و می‌گوید: «ددی جان...» می‌پرم توی حرفش و می‌گویم: «ددی چیست، دیگر؟! تو که به من پدرجان می‌گفتی!» سری تکان می‌دهد و می‌گوید: آن مال دوره‌ی گذر از سنت به مدرنیته بود، بابا. حالا دوره و زمانه عوض شده و ما داریم وارد دوره‌ی پسابرجام می‌شویم...!

حوصله‌ی جر و بحث کردن با او را ندارم. می‌گویم: حالا بگو ببینم چه می‌خواستی بگویی؟!

بدون هیچ مقدمه‌ای می‌پرسد: می‌خواهم بدانم خواص (خاصیت‌های) برخی از این خواص چیست؟!

می‌بینید یک وجب قدی چه چیزهایی به ذهن‌اش خطور می‌کند؟!

می‌گویم: خب، خواص، خاصیت‌های گوناگونی دارند. مثلا برخی از خواص، بی‌شباهت به سیب‌زمینی نیستند! برخی از خواص، شلغم‌گونه‌اند! برخی از خواص، اهل رنجند! برخی از خواص، اصلا انگار نا رنجند!

برخی از آنان اهل را رنگند! برخی از آنان دوستدار نیرنگند! بعضی از آن‌ها طالب طالبی‌های فرنگند! برخی از خواص، خاطره‌ساز و خاطره‌پردازند! برخی از آنان هرگز با حق نمی‌سازند! برخی از آن‌ها، بنای بناهای تحریفند و با ماله‌ی استحاله حال می‌کنند! و همواره دیوارهای هال را بالا می‌برند! برخی از خواص همه فن حریفند!...

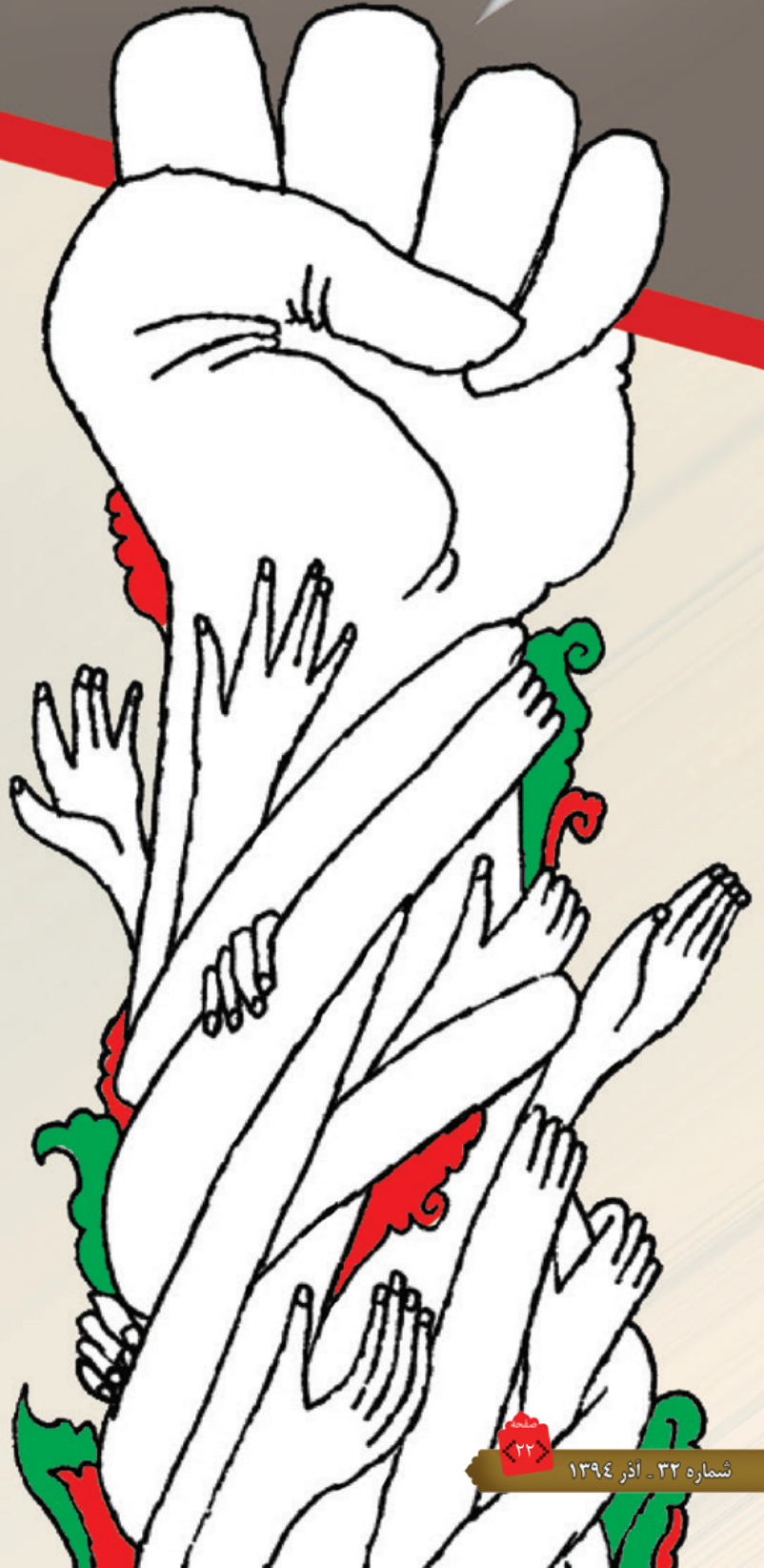
وحدت؛ سازگاری بر این نفوذ

نویسنده: sobhanshahidi

برای نفوذ در یک جامعه، استحاله و براندازی یک حاکمیت بهترین راه استفاده از شکافها و اختلافات موجود در بین ارکان آن جامعه است. با افزایش این فواصل و ایجاد اختلافات جدیدتر، جامعه سرنوشتی جز شکست و تسلیم در برابر مهاجم نخواهد داشت. باید دانست ابتکار عمل در اختیار مهاجم است، از جمله دشمن سعی می‌کند با استفاده از شکافهای اجتماعی در جامعه سبب ایجاد آفت‌های خطرناکی چون چند رایسی، دو یا چند قطبی شدن جامعه، ایجاد اختلاف و ... شود. در این شرایط وظیفه اساسی جامعه هدف، هوشیاری و دفاع متقابل است؛ یعنی طرح ریزی یک ساز و کار مستحکم با از بین بردن شکافها و اختلافها و ایجاد سدی مستحکم و مقاوم در برابر حيله‌ها و نفوذ بیگانه.

شعار مقدس وحدت یعنی تکیه بر مشترکات موجود در بین طیفها و اقشار مختلف که پشتوانه‌ای برای امنیت و خنثی سازی ترفندهای دشمن است. اما در تعریف وحدت نباید دچار اشتباه شد و آن را یکی بودن تمام آرا و اندیشه‌ها دانست؛ چرا که تضارب آرا اگر منطقی و صحیح باشد، سبب پیشرفت در جامعه و ارتقا سطح بینش آحاد ملت می‌شود، ولی مهم این است که اختلاف سلیقه‌ها منجر به نزاع و درگیری نگردد، زیرا این درگیری‌ها سبب برپایی غبار فتنه و باز شدن مسیر برای نفوذ دشمن و موجب فشل و شکست می‌شود. خداوند در قرآن کریم ما را از نزاع و درگیری نهی کرده و می‌فرماید «و لا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال - آیه ۴۶)

نکته حائز اهمیت دیگر اصولی بودن اتحاد است. هر امت و جامعه‌ای دارای اصول و عقاید بنیادی است. هرکس و هر تفکر که به این اصول پایبند باشد در دایره وحدت آن جامعه جای می‌گیرد. اتحاد بر مبنای اصول همان اتحاد بر پایه منطق و عقلانیت است. بنابراین وحدت و التزام عملی و نظری به این اصول با هم رابطه مستقیم دارند؛ هرچه افراد و گروه‌ها به اصول جامعه مقیدتر باشند، وحدت بین آنها بیشتر است، چون مشترکات بیشتری را دارا هستند.



کنند چرا که این اتفاق به منزله سم مهلکی است برای جامعه و امت اسلامی. باید دانست که جامعه، هم نیاز به پابندی بر اصول دارد و هم نیاز به اصلاح. در ضمن نباید این تعاریف موجب سو استفاده برخی شود و به بهانه اصلاح و بازنگری اصول را زیر پا بگذارند. و یادآور می‌شوم که اتحاد منطقی چیزی است که در آن اتکا بر مشترکات و پابندی به اصول می‌شود.

۴- جامعه‌ای که مردم و دولت در آن هر یک ندایی متفاوت برآوردند محکوم به شکست است چرا که دولت آمده است تا نیازهای جامعه را برطرف کند. بنابراین دولت طبق تعریف دولت (state) باید تجلی‌گر صدای ملت باشد و این را هم باید دانست سیاست‌های اجرایی نباید فقط برآورنده ی نیازهای حامیان دولت باشد بلکه باید دربرگیرنده تمام نیازهای یک ملت باشد؛ چه مخالف و چه موافق. نمی‌شود ملت دم از آرمان‌ها و ارزش‌ها بزند و دولت دم از ناکارآمد بودن آرمان‌ها و محال بودن آنها. اینجاست که می‌فهمیم «هم‌بانی دولت و ملت» یعنی چه.

۵- دیگر نقطه اختلاف در جمهوری اسلامی، وجود مذاهب و ادیان مختلف است، مخصوصاً شیعه و سنی. این تنوع می‌تواند در صورت غفلت راه بازکن دشمن شود و با ایجاد نزاع مذهب علیه مذهب در جامعه راه نفوذ و حتی جنگ داخلی را فراهم کند. از این رو است که امروز می‌بینیم بر اختلاف بین مذاهب دامن زده می‌شود و پرچمداری آن را تسنن آمریکایی و تشیع انگلیسی بر عهده دارند. این تفکرات متحجرانه باید کنار گذاشته شود و جایش را به هم زیستی بر مبنای اشتراکات بدهد. بازهم متذکر می‌شوم این اتحاد به معنای دست برداشتن از عقاید اصلی نیست و منظور این نیست که شیعه سنی شود و سنی شیعه بلکه منظور این است که اختلاف در مذاهب موجب نزاع و درگیری نباشد.

۶- حوزه و دانشگاه دو نهاد علمی مهم در جمهوری اسلامی است که مهم‌ترین وظایف را برعهده دارند از جمله تربیت نخبگان و مدیران در طراز جمهوری اسلامی و کادرسازی برای نظام اسلامی. هرچه بین تعلیمات اسلامی و مفاهیم دانشگاهی فاصله باشد جامعه علمی ما سکولاریزه شده و دانشگاه یک ساز می‌زند و حوزه نوایی دیگر را می‌سراید. این یعنی اختلاف در بین نخبگان؛ و هرچه این دو نهاد به هم نزدیک‌تر باشند جامعه از گزند آسیب‌های حاصل از نفوذ در امان خواهد بود. با ترویج علوم انسانی اسلامی و تولید علم در قواره و تمدن اسلامی ایرانی، جامعه از هجوم‌ها بیشتر در امان خواهد بود. به این ترتیب اهمیت وحدت کاملاً روشن می‌شود و اکنون باید بدانیم چرا هر حنجره‌ای که ندای وحدت و همبستگی بر آورد عملی الهی انجام می‌دهد و هر حنجره و یا قلمی که ساز اختلاف را کوک کند متعلق به شیطان است.

وحدت ضامن دوام و عمر یک جامعه است بنابراین باید خلاهای موجود را با جایگزین‌های مناسب پر کنیم تا سدی مستحکم در برابر رخنه دشمن شود و بتوانیم از این امتحان سربلند بیرون آییم و دشمن نتواند به آنچه می‌خواهد یعنی استحاله و براندازی جمهوری اسلامی برسد.

اما زمینه‌های وحدت در جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ وحدت باید در عرصه‌های زیر برقرار شود تا از نفوذ دشمن و استحاله جمهوری اسلامی جلوگیری به عمل آید:

۱. وحدت نظری و عملی بین دو مفهوم انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی.
 ۲. وحدت بین آحاد ملت.
 ۳. وحدت میان مسئولین و کارگزاران نظام اسلامی.
 ۴. وحدت بین مردم و مسئولین.
 ۵. وحدت بین مذاهب و ادیان.
 ۶. وحدت بین حوزه و دانشگاه.
- اکنون به توضیح هر یک از موارد فوق می‌پردازیم:

۱- مهم‌ترین راه ماندگاری و ابرماندن یک جنبش که منجر به انقلاب شده حفظ روحیه انقلابی و پابندی به آرمانها و خواسته‌هایی است که ملت برای آنها انقلاب کرده است. هر چه نظام بعد از انقلاب از آرمان‌ها و توقعات مردم فاصله بگیرد به انقلابی دیگر و یا سرنگونی توسط بیگانگان به دلیل کاسته شدن از مشروعیت و مقبولیتش نزدیکتر می‌شود. در این میان یکی از مهم‌ترین اهداف دشمن از نفوذ در جامعه ایران اسلامی، تحقق این جدایی، بین دو مفهوم انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است. پس مهم‌ترین راه، وحدت بین این دو مفهوم است تا جمهوری اسلامی متفاوت از انقلاب اسلامی نباشد و گرنه سرنوشت سایر انقلاب‌ها و نهضت‌های شکست خورده در انتظار آن خواهد بود.

۲- آنگاه که گروه‌های مختلف مردمی با هم متحد باشند دشمن از هجوم و نفوذ ناامید می‌شود زیرا جامعه‌ای را هدف قرار داده که دست در دست هم داده و جدایی پذیر نیستند، این جامعه راه‌های اصلی نفوذ را با بحرانی نکردن اختلاف سلیقه‌های خود در زمینه‌های مختلف بسته است. وقتی مردم متحد باشند جریان‌های انحرافی هم نمی‌توانند مسیر آنها را تغییر دهند. آنوقت است که مصداق بارز امت واحده در آن جامعه تجلی می‌یابد.

در جمهوری اسلامی آنچه موجب وحدت می‌شود ریسمان نجات الهی است و باید بنابر آیه «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران آیه ۱۰۳) با همبستگی، راه‌های نفوذ را سد کرد.

۳- مسئولین و نخبگان هر جامعه الگوهای آن جامعه هستند و این قول یک واقعیت است که «الناس علی دین ملوکهم»، و هرچه مسئولین همراهی بیشتری باهم داشته باشند و اختلافات بینشان کمتر باشد، اتحاد بین ملت را تضمین کرده‌اند. اما اگر دو یا چند طیف شوند و در نتیجه هرکدام هم طرفدارانی داشته باشند سبب چنددستگی جامعه می‌شوند. چپی و راستی، بنیادگرا و تجدید نظر طلب، اصول‌گرا و اصلاح طلب هیچ کدام نباید جامعه را دو قطبی



رابطه اربعین و ظهور



با کاروان اربعین



چفیه به دوشان



خطر خروج از خط امام



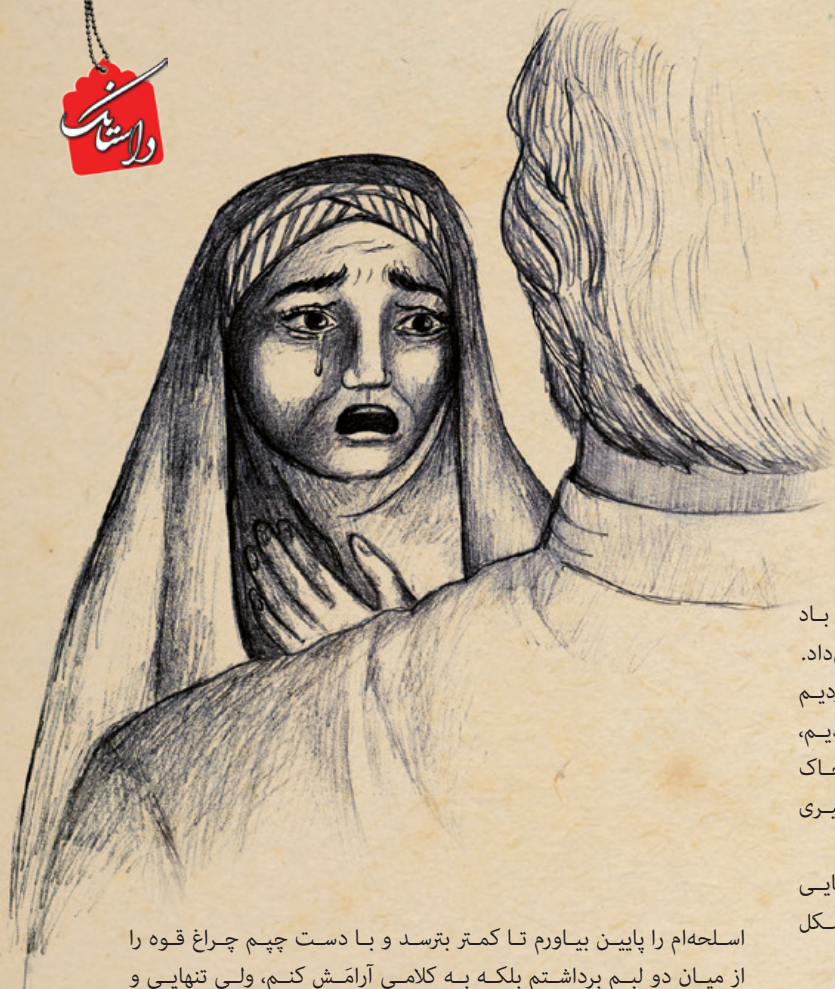
وقتی مهمان خودت می شوی



جامانده های کربلا



خرابی



سوزش زخم بازویم لحظه‌ای آرام نمی‌گرفت، هجوم سرد و سنگین باد و خاک دست بردار نبود و سیاهی یکدست شب بیشتر آزارم می‌داد. من کجا و اینجا کجا؟ در ظلمت ظالمانه این خرابه‌ها گشت می‌زدیم تا محله‌ای را که همین امروز از تروریست‌ها باز پس گرفته بودیم، پاکسازی کنیم. هر چند در و دیوار درهم شکسته خانه‌ها به خاک مصیبت نشسته بود، اما دیگر خبری از حضور ذیلانہ ارادل تکفیری نبود.

تابلوی محله را که کلمه سوریه به شکلی بزرگ روی آن خودنمایی می‌کرد را نگاه می‌کردم، چه حقیرانه حتی با نام سوریه هم مشکل داشتند و گلوله بارانش کرده بودند.

صدایی مرا به خود آورد. سرم را به سمت صدا چرخاندم. درست از داخل خانه‌ای که مقابل درش ایستاده بودم، چند صدای گنگ و مبهم به گوشم رسید و باز همه جا در سکوتی سنگین فرو رفت. فاصله‌ام با بقیه بچه‌ها زیاد بود و خیال حضور تروریستی در این خانه، فرصت نداد تا کسی را خبر کنم.

با نوک پوتینم در آهنی و شکسته خانه را آهسته فشار دادم تا نیمه باز شود. چراغ قوه کوچکم را به دهان گرفتم و اسلحه‌ام را آماده کردم تا اگر چشمم به چهره نحسش افتاد، شلیک کنم. با شعاع نور باریک چراغ قوه، سایه زنی را دیدم که پشت به من، رو به قبله ایستاده بود و پوشیده در پیراهنی بلند و شالی بزرگ، به نماز ایستاده بود. نگاهش کردم، به شیوه اهل سنت نماز می‌خواند. کمی گذشت. گویا ردّ نور چراغ قوه را روی دیوار مقابلش دید که تمام بدنش از ترس به لرزه افتاد. نمازش را شکست و برگشت رو به من.

خیره شدم به صورتش، جوان بود، اما تنها در این خانه چه می‌کرد؟ خواستم چیزی بگویم که وحشتزده به سمتم دوید و انگار راه فراری برای خودش نمی‌دید که با بدنی لرزان از ترس و وحشت، خودش را عقب کشید.

نفس نفس می‌زد. پشتش به دیوار رسید، مطمئن شد به آخر خط رسیده است. با صدایی بریده ناله می‌زد و به خیال خودش می‌خواست با همین نغمه غریبانه از خودش دفاع کند. کلماتی را به لهجه غلیظ محلی میان جیغ و گریه تکرار می‌کرد و من جز یک مفهوم مبهم چیزی نمی‌فهمیدم: «برو بیرون حروم‌زاده‌ی تکفیری!» در برابر حالت مظلوم و وحشتزده‌اش نمی‌دانستم چه کنم؟ ترسیده بود، خیال می‌کرد یک تکفیری قصد آزارش را دارد و حالا به آخر خط رسیده است.

همان اندک اندوخته زبان عربی هم از یادم رفته بود. فقط توانستم

اسلحه‌ام را پایین بیاورم تا کمتر بترسد و با دست چپم چراغ قوه را از میان دو لبم برداشتم بلکه به کلامی آرامش کنم، ولی تنهایی و تاریکی این خرابه و ترس از تروریست‌ها امانش را بریده بود. خم شده و با هر دو دست به زمین خاکی خانه چنگ می‌زد و هر چه به دستش می‌رسید به سمت پرتاب می‌کرد و پشت سر هم جیغ می‌کشید: «حروم‌زاده‌ی تروریست! از خونه من برو بیرون!»

این‌ها تنها کلماتی بود که از میان انبوه فریادهایش متوجه می‌شدم. نمی‌توانستم به خوبی عربی صحبت کنم تا مجابش کنم تروریست نیستم. چراغ قوه را مستقیم رو به سمت صورتم گرفتم تا چهره‌ام را ببیند و بفهمد هیچ شباهتی به تروریست‌ها ندارم.

هم چنان مشغول فریاد بود. کم کم صدایش آرام‌تر شد. احساس می‌کردم دارد التماس می‌کند. نمی‌دانستم چه کاری انجام دهم؟ فقط لحظه‌ای هرآنچه توان داشتم را جمع کردم و به عربی فریاد کشیدم: من شیعه‌ام، من ایرانی هستم.

همه جا آرام شد. دوباره چراغ قوه را به سمتش گرفتم، بدنش آرام شده بود، به سختی چشمانش را دیدم که از اشک پُر شده بود. مقاومت مظلومانه‌اش شکست و همانجا پای دیوار به زمین افتاد. پیراهن بلند مشکیش غرق خاک بود. از رفتارش پیدا بود در این چند روز، از ترس تجاوز تروریست‌ها به جانش، در غربت‌کده این خرابه پنهان شده است.

بقیه بچه‌ها هم خبردار شدند، انگار صدای فریاد مرا شنیده بودند. وارد خانه شدند. من و این زن را دیدند. یکی از افسران سوری به سمت من آمد و بعد به سمت آن زن رفت. او را شناخت. ناریه بود، همسر عبدالله. عبدالله، تا چند روز پیش بین ما بود، اطراف زینبیه. یکی از کوچه‌های منتهی به حرم، دست او و نیروهایش بود، اکثرشان اهل سنت بودند. جانانه دفاع می‌کردند. در آخرین حمله تکفیری‌ها، همین چند روز قبل، عبدالله را دیده بودند که بدون سر روی زمین افتاده بود.

تقلید

ارسال کننده: iighalameshghii

تقلید یعنی در احکام دین به مجتهد جامع الشرائط مراجعه کردن، و به عبارت دیگر بر طبق تشخیص و فتوای او اعمال شرعی را به جا آوردن.

راه‌های انتخاب مرجع و بدست آوردن فتوی کدام است؟

ج: احراز اجتهاد و اعلیت مرجع تقلید بوسیله امتحان یا تحصیل یقین ولو از شهرت مفید علم یا اطمینان، یا با شهادت دو نفر عادل از اهل خبره صورت می‌گیرد.

راه‌های بدست آوردن فتوای مجتهد چیست؟

- ۱- شنیدن از خود مجتهد
- ۲- شنیدن از دو یا یک فرد عادل
- ۳- شنیدن از یک نفر مورد اطمینان
- ۴- دیدن در رساله مجتهد در صورتی که رساله مصون از اشتباه باشد.

شرایط مرجع تقلید چیست؟

مرد باشد، بالغ باشد، عاقل باشد، شیعه‌ی ۱۲ امامی باشد، حلال زاده باشد، بنابر احتیاط (واجب) زنده باشد، عادل باشد، با توجه به حساسیت و اهمیت منصب مرجعیت در فتوا، بنابر احتیاط واجب، قدرت تسلط بر نفس سرکش را داشته و حرص به دنیا نداشته باشد، مجتهد باشد، بنابر احتیاط واجب اعلم باشد.

آیا تقلید از علمای کشورهای دیگر که دسترسی به آنان امکان ندارد جایز است؟

ج: در تقلید از مجتهد جامع الشرائط شرط نیست که مجتهد اهل کشور مکتلف و یا ساکن در محل سکونت او باشد.

حکم بقا بر تقلید میّت اگر اعلم باشد، چیست؟

ج: بقا بر تقلید میّت در هر صورت جایز است. ولی سزاوار است که احتیاط در بقا بر تقلید میّت اعلم ترک نشود.

آیا در بقا بر تقلید میّت، اجازه از مجتهد اعلم معتبر است و یا اجازه هر مجتهدی کافی است؟

ج: در جواز بقا بر تقلید میّت، در صورتی که مورد اتفاق فقها باشد، اجازه از اعلم واجب نیست.

شک آفرینی!

نویسنده: matinemami

خلقت انسان، فلسفه‌ای دارد اما چگونه است که عده‌ای فلسفه را نقض و حیات انسان بدون فلسفه را امکان پذیر می‌دانند؟! هر انسانی در فضائی از ایده‌ها و افکار و آراء مختلف و خاص زیست می‌کند. تنها اکسیژن و آب نیست که مایه حیات و زنده ماندن انسان‌اند، فلسفه و جهان‌بینی نیز مایه حیات آدمیان‌اند. حتی پوچگرائی و نیست‌انگاری (nihilism) نیز نوعی فلسفه‌اند و بنابراین آدمی را گزیر و گریزی از فلسفه نیست. چنان‌که انسان در حیات خود هرگز بی‌نیاز از جا و مکان نیست و آنچه برای او مهم است، انتخاب نوع مکان است؛ در حیطه عقیده و اندیشه نیز، گزینش نوع فلسفه و چگونگی نظام فکری در حیات معقول اهمیت دارد.

پرداختن به فلسفه فقط کار امروز یا تنها فردا نیست، بلکه در همیشه زمان بوده، هست و خواهد بود. مادام که در این عالم، آدم زیست می‌کند، بازار فلسفه داغ است و تنور تفلسف، گرم!

انسان امروز دائماً با انبوه مکاتب فکری روبروست و چاره‌ای جز گزینش ندارد. انسان این عصر در فضایی از تزاخم و تعارض ایسم‌های رنگارنگ و فلسفه‌های گوناگون، گاه چنان متحیر و مضطرب می‌شود که عنان تفکر از دست داده، خود را بدست سرنوشت کور می‌سپارد و در برهوت حسرت و گیجی رها می‌کند! هنر اندیشمند صالح و مُصلح در روزگار ما آن است که در حد توان، دست بشر امروز را بگیرد، راه را به او بنمایاند، او را از تحیر یأس و سردرگمی برهاند و به او آرامش ببخشد. هنر این نیست که جوانان را دائماً به سمت شبهه، تحیر، گیجی، سردرگمی، راز آلودگی، یأس، توقف، بی‌هویتی، پوچی، ابهام و مقولاتی از این دست سوق دهیم. متأسفانه برخی قلم بدستان عصر ما چنین می‌پندارند که رسالت‌شان چیزی جز تحیر آفرینی و ایجاد شک و شبهه در ذهن جوانان نیست. این عین بی‌هنری است!

هنر آن است که انسان را از گرداب یأس و جهل و تحیر برهانیم و اگر هم آنها را به وادی شک می‌بریم، از شک بعنوان سکوی پرش بسوی یقین استفاده کنیم نه اینکه آنان را در برهوت شک و تردید چنان در معرض طوفان و شبهات قرار دهیم که هیچ رمقی برای اندیشیدن در عقیده و فکرشان باقی نماند. بدانیم که مهاجمان فرهنگی نخست با طوفان «شک» هجوم می‌کنند و سپس بتدریج، ریشه‌های عقیدتی انسان را می‌خشکانند. از این رو باید بهوش باشیم که صرفاً طرح مباحث راز آلود، وهم‌آلود و ایجاد کننده شک و تحیر در لباس فکر و اندیشه و قلم، با نام معرفت دینی، عرفان، کلام جدید، فلسفه دینی و... حتی اگر با قصد متزلزل ساختن پایه‌های عقیدتی، قداست‌ها و ارزش‌ها نباشد، دقیقاً در جهت خواسته‌های مهاجمان فرهنگی است. و اما اگر هدف، رفع و دفع شک باشد، البته مطلوب و مفید و بجاست.

مجموعه مستند «بعد از خمینی» روایتی از ناگفته‌های تاریخ انقلاب اسلامی است که به بیان چالش‌های انقلاب اسلامی بعد از رحلت امام خمینی (ره) در سال ۶۸ می‌پردازد. روایتی بی‌پرده و شفاف از رخداد‌های سیاسی اجتماعی دهه ۷۰ که توسط گروه چندرسانه‌ای شفق و به کارگردانی حجت‌الله نیکی ملکی و تهیه‌کنندگی شبکه اجتماعی افسران تولید شده است. اکران این مستند سریالی که به منظور انتشار در شبکه‌های اجتماعی مجازی و تلفن همراه تولید شده است از ۱۵ آذر آغاز گردید. علاقه‌مندان می‌توانند جهت دریافت مستند به آدرس اینترنتی www.afterkhomeini.afsaran.ir و همچنین کانال تلگرامی مستند به نشانی [afterkhomeini](https://t.me/afterkhomeini) مراجعه و فایل مستند را دریافت کنند.



این ماه علاوه بر انتخاب چهره خوب و بد آبان، کاربران در نظرسنجی مربوط به اتفاقات پاریس نیز شرکت کردند. در این نظرسنجی پیامد اصلی حادثه تروریستی پاریس، «تشدید اسلام ستیزی در غرب» دانسته شد. برای چهره‌های خوب و بد نیز کاربران از بین گزینه‌ها، «مسئولینی که نفوذ دشمن را جدی نمی‌گیرند» را به عنوان چهره بد ماه و «شهادی مدافع حرم» را به عنوان چهره خوب انتخاب کردند.

تلویزیون اینترنتی آرمان در همراهی با مستند «بعد از خمینی» سری کلیپ‌های «آنچه نگفته‌اند» را از زبان شخصیت‌ها و مسئولین آماده کرده است که می‌توانید آنها را در آدرس زیر مشاهده کنید:
www.afsaran.ir/profile/afterkhomeini

شبکه چندرسانه‌ای آرمان



در مهران یه مدافع حرم افغان با همون لباس مدافع حرمیش که ماله فاطمیونه اومد و از من پرسید از بین عکس‌هایی که از شهدای مدافع حرم هست چرا شهدای افغانی نیستند؟ گفتم شرمنده همین‌ها جلوی دستمون بودند. بعد بهش گفتم شهید توسلی و فاتح و صابری رو می‌شناسم. خیلی خوشحال شد.
welayat13631363
به یاد شهدای افغانی حرم



آورده‌اند که شیخی گفت: مستی دیدم که افتان و خیزان در جاده‌ای گل آلود میرفت. به او گفتم قدم ثابت بردار تا نلغزی. گفت: من بلغزم باکی نیست؛ بهوش باش تو نلغزی شیخ!
Mansoorghaffari
که جماعتی از پی تو خواهند لغزید



پیامبر اکرم (ص): «سه چیز است که محبت شخص را درباره دیگری خالص می‌کند. یکی از آنها این است که طرف مقابل را به اسمی صدا بزند که وی می‌پسندد.» کافی، ج ۲، ص ۶۴۳
Bilan

پاریس و فرانسه را

چهار تا داعشی با هزار کیلومتر فاصله در یک شب، به هم ریختند

هم اکنون هزاران هزار تروریست هم مرز با کشورمان هستند اما درود به دلاور مردان ارتش و پاسداران غیرتمند ایرانی که اجازه ورود به یک وجب از خاک ایران عزیز را ندادند.

دم همه تان گرم
علی یارتان باد



قدردانی از رزمندگان خط مقدم جهاد با تروریست‌های تکفیری توسط کاربر [shahidegomnam10](https://t.me/shahidegomnam10)



کلیپ تصویری منتشر شده توسط [avayentezar](https://t.me/avayentezar) از همسر شهید مدافع حرم مصطفی صدرزاده

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:
هر کس به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر او را فرا می‌خوانند و دو جامه بر آن دو می‌پوشانند که از نور آن چهره‌های بهشتیان روشن می‌گردد.
مجموعه تصاویر: پارس فرزان، ص ۲۴۴



ارزش قرآن آموزی به فرزندان، از سری پوسترهایی تربیتی که توسط کاربر [hamid1404](https://t.me/hamid1404) منتشر میشود



بعد از مدتها توانستیم با یکی از افسر بانوهای فعال سایت مصاحبه کنیم.

کاربری صاحب قلم که نقدهای دلسوزانه و پیامک های صریح و گاه تند سیاسی ایشان فراموش نشدنی ست. الحمدلله موفق شدیم قبل از هجرتشان از سایت یک مصاحبه کوتاه با ایشان داشته باشیم.

لطفا خودتان را معرفی بفرمایید.

۶۹ ruqayyah هستم ، لیسانس مهندسی صنایع .

چندوقت هست کاربر افسران هستید و چطور با این شبکه آشنا شدید؟

مهر ماه سال ۹۱ از طریق یک گزارش خبری که دقیقا یادم نیست از اخبار بود یا در خبرگزاریها با افسران آشنا و عضو شدم. البته آن موقع تا یک سال و نیم بعد به نام asemanevatan اینجا شناخته می شدم.

چطور شد تغییر کاربری دادید؟

دیگر گذشتهها گذشته. ولی الان می توانم با قاطعیت بگویم اگر افسران امکان بلاک کردن داشت درخواست غیرفعالی asemanevatan را نمی دادم.

آیا افسران انتظارات شما را به عنوان یک شبکه اجتماعی برآورده کرد؟

سوال سختی هست. از طرفی می توانم بگویم بله چون به هر حال حتما حدی از رضایت وجود داشته که سه سال

در افسران فعالیت کردم. از طرف دیگر می توانم بگویم نه چون مواردی برای نارضایتی وجود دارد که قصد دارم سایت را ترک کنم . اما در واقع نه آن «بله» و نه این «نه» هیچکدام جواب اصلی سوال شما نیست. این سوال را باید کاربرانی جواب بدهند که سواد رسانه ای و فنی در مورد پدیده شبکه های اجتماعی داشته باشند.

شبکه های اجتماعی برای کاربران عام مجازی ساخته می شود و براساس علائق و میزان استفاده آنها برنامه ریزی می شود. پس اینجا رضایتمندی کاربران مهم هست نه کارشناسان رسانه ای.. باوجود رضایت نسبی، چرا قصد ترک سایت را دارید؟

نکته ای که به آن اشاره کردید نکته درستی هست ولی آیا در حال حاضر نشانی از توجه به این نکته در سایت می بینیم؟ فکر می کنم مهمترین دلیل برای ترک سایت، جواب منفی ای هست که به این سوال می دهم.

نقطه قوت این شبکه را نسبت به سایر شبکه های اجتماعی چه می دانید؟

به نظرم قانون و حریم داشتن، دو نقطه قوت اصلی افسران بود .

چرا «بود»؟ آیا قوانین کنونی مناسب نیستند؟

مدتی این عبارت خیلی در ادبیات سیاسی مورد استفاده قرار می گرفت که قانون بد بهتر از بی قانونی است. حالا من به درست یا غلط بودن این عبارت کاری ندارم ولی چه قانون خوب و چه قانون بد، آن چیزی که قرار هست بین وجود قانون و بی قانونی تمایز ایجاد کند، اجرا شدن قانون هست. وقتی قانون اجرا نشود و یا اصلا توانایی اجرای قانون وضع شده در قانونگذار وجود نداشته باشد، آن قانون دیگر نقطه قوت به حساب نمی آید.

نقاط ضعف افسران چه هست؟

اگر خلاصه بگویم می شود ضعف محتوایی، فنی و مدیریتی. شاید وقتی حرف از ضعف های محتوایی می زنیم، منتقل کردن کل آلبوم عکس شهدا یا آرشیو تصاویر حضرت آقا در بخش لینکها و ارسال هجویات در قالب شعر در بخش پیامکها

هر فعالیتی در افسران قبل از اینکه مجازی باشد، حقیقی است چون فکر و ایده یک فرد حقیقی در پشت آن قرار دارد و فضای مجازی کاربرد پایه اش انتقال این فکر و ایده است

به ذهن کاربران خطور کند ولی به نظرم اینها ضعف اصلی نیست. مشکل اصلی مطالبی هست که حقیقتا مشکل محتوایی دارد و با خود قوانین محتواگذاری افسران هم در تضاد هست اما به دلایل مختلف برخوردی نمی شود. از طرفی اگر به پایین آمدن میانگین سنی کاربران هم توجه شود، که حقیقتا اتفاق خوبی هست و باید به فال نیک گرفته شود، آن وقت هشدار بی توجهی به آن نوع

محتواها هم جدی‌تر می‌شود.

در مورد ضعف‌های فنی هم از ابتدا گفتم که سواد فنی در این زمینه ندارم و شاید توقعاتی که از سایت دارم واقعاً بی‌جا باشد ولی به نظرم نداشتن امکان ویرایش و حذف، بلاک کردن و پیغام مستقیم آسان، سه تا مشکل اصلی در افسران هست. فکر می‌کنم به عنوان یک کاربر باید حق مدیریت

کاربری خودم را داشته باشم و

در پیش پا افتاده‌ترین حالت برای حذف نظرات مولتی‌ها نیازمند درخواست‌های متوالی باشم. به نظرم همین که درخواست‌های کاربران در این چند سال مورد توجه قرار

نگرفته و افسران همان افسران با امکانات سابق هست خودش واضح‌ترین دلیل ضعف مدیریتی است.

اگر مدیر سایت بودید چه می‌کردید؟

خدا رو شکر می‌کنم که در این جایگاه مهم و پر مسئولیت قرار ندارم ولی اگر بودم حداقل برای حفظ ظاهر هم که شده نشان می‌دادم پیگیر درخواست‌های کاربران هستم.

به کدام بخش سایت علاقه بیشتری داشتید و آن را مفیدتر می‌دانستید؟

اگر منظور بخش لینک و پیامک هست که هر دو با توجه به کارکردشان خوب و مفید هستند، به شرط اینکه با بازنشر صرف عکس‌های تکراری و پیام‌های چت رومی اشباع نشوند.

فعالیت در فضای مجازی را چقدر در فضای حقیقی اثرگذار می‌دانید؟

واقعیت این هست که هر فعالیتی قبل از اینکه مجازی باشد، حقیقی است چون فکر و ایده یک فرد یا افرادی از فضای حقیقی در پشت آن قرار دارد و فضای مجازی کاربرد پایه‌اش انتقال این فکر و ایده‌ست. فرقی نمی‌کند این فکر که در قالب نوشته، تصویر، فیلم، صوت و غیره درآمده تولیدی باشد یا بازنشر، فاخر باشد یا دم دستی، محتوای درست داشته باشه یا غلط؛ مهم این هست که هدف اصلی انتشار در جهت اثر گذاشتن بر فضای حقیقی هست. به نظرم مشکل از جایی شروع می‌شود که کاربرها حتی منکر اثرگذاری مطالب ارسالی خودشان می‌شوند.

فکر می‌کنید مطالب خودتان چقدر اثرگذار هست؟

نظر شخصی من این هست که حتی اگر از مجموع مطالب و موضوعاتی که ارسال کردم فقط یک کلمه‌اش به درد یک نفر خورده باشد، جای شکر دارد و برای من همین میزان اثرگذاری راضی کننده ست.

چطور می‌شود فعالیت کاربران

را به سمت اثرگذاری بیشتر در فضای حقیقی هدایت کرد؟

میخواهم یک مثال بزنم. شما کاری مثل دکتر سلام را در نظر بگیرید. برای توزیعش برنامه‌ریزی و هماهنگی می‌شود؟ خیر! اما تاثیرش را روی جمع کثیری از فضای حقیقی می‌گذارد. چطور؟ شما خودتان می‌بینید، به دیگران توصیه می‌کنید، تعریف می‌کنید، به دوستان می‌دهید تا ببینند، می‌گذارید خانواده‌تان ببینند، وقتی قسمت جدیدش آمد دوستان‌تان را خبر می‌کنید و غیره و غیره. نگاه ما در فضای مجازی دقیقاً باید به همین شکل باشد. بله در یک زمینه‌هایی تا الان کاری انجام نشده ولی در خیلی از زمینه‌ها کار، تولید شده اما بازنشری برای آن اتفاق نمی‌افتد و بدیهی است توقع تاثیرگذاری از مطلب دیده نشده، توقع بی‌جایی هست.

تعریفتان از کاربر خوب چیست؟

به قول جناب سعدی، «خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است». حالا این سلب آسایش را شما بسط بدهید دیگر. از انتشار عامدانه یک مطلب خلاف واقع بگیرید تا مقوله مردم آزاری و غیره. این ویژگی‌ها را نداشته باشد خوب است!

اگر حرف آخری هم برای مخاطبان دارید بفرمایید.

خواهش می‌کنم، حضور در جمع دوستان افتخاری بود برام و حقیقتاً در این مدت از مطالب خیلی از بزرگواران استفاده کردم. برای شما و دوستان ارزوی سلامتی و موفقیت دارم.

با تشکر از وقتی که به نشریه دادید و امیدواریم مشکلات مدنظر شما حل شود و شاهد خروج خوبیان از سایت باشیم.

آید دوباره بوی تنهای سیب زمینی
درسفره‌ای که خالیست جای سیب زمینی

درد گرسنگان را وقتی نمی‌نهد کس
در خاک گشته پنهان، نجوای سیب زمینی

بابا که نان ندارد، آخر توان ندارد
دائم به خود زند زخم: «بابای سیب زمینی»

اما پر از غرور است، کنج خراب قلبش
بابای زخمی من، رویای سیب زمینی

قومی به خواب ناز و همسایه‌ای گرسنه
ای وای این چه دینی ست؟ ای وای سیب زمینی

از در هجوم آورد، فقرم به سوی ایمان
تنها گرسنه داند، معنای سیب زمینی

ای مردمان بی رگ، قوت مرا که دزدید؟
پایین نامه یک خط، امحای سیب زمینی

اسلام آمریکایی، مسئول آمریکایی
یک کودک گرسنه.. امضای سیب زمینی!

میرمهدی اسدی

«از ربنای رکعت دوم» دلم شکست
بار هزار و یکصد و چندم دلم شکست

باید دعا کنم که خدا! اهدنا الصراط
از خوف لحظه‌ای که شوم گم دلم شکست

در عمق نیمه روشن قلم زبان شعر
میکرد واژه واژه ترنم، دلم شکست

مانند قایقی که فرو می‌رود در این
طوفان و موج و خشم و تلاطم، دلم شکست

گفتیم هر شکسته سبویی فدای خم
از تلخی شکستن آن خم دلم شکست

لبخند می‌زند به من از روی سرزنش
با تیغه حریر تبسم دلم شکست

گفتم که السلام الا یا امام عشق
نشنیده‌ام جواب علیکم... دلم شکست

دیشب کنار پنجره فولاد ماندم و
از طوس، تا مدینه و تا قم دلم شکست

در حسرتم همیشه که آدم شوم ولی
هربار وقت چیدن گندم دلم شکست...

فاطمه عارف‌نژاد

دلِ تنگم شده معطوف، کنون سویِ حَرَم
تا رهایم گند از غصه و غم شاهِ کَرَم

دلم آرام شود، از سرِ آقائی خود
گر کِشد، دستِ نوازشِ زَمجبت به سَرَم

چون که دورم ز شما ثامنِ آلِ نبوی
یادم آید ز غریبی تو، سوزد جگرَم

ردّ پآیتِ چو ببینم بشود دل روشن
هر زمانی به قدمگاه بیفتند گذرم

دستِ بر سینه نَهَم بهر سلامِ ای آقا
از سَرِ کوه چو آید حَرمت در نظرم

صلواتِ خاصه بیمه گند حامی را
عشق‌تان مایه‌ی آرامشِ من در سفرم

شعر من نیست اگر لایقِ درگاهِ شما
نامِ زیبایِ شما هست در اینجا گهرَم

دستگیری بنما از پدر و مادرِ من
شده این وردِ زبانم به دعایِ سَحَرَم

همه هستی ما، در دوجهانِ مهرِ شماست
غیرتان پیشِ چه کس دستِ توَسَلِ بَرَم

Soleiman





توسلہ الیٰ احشیک

ارسال شده توسط: soode

آن وقتی که بچه‌ها عقل رس می شوند که می‌توانند خودشان یک چیزی را تعیین کنند، دارو یک ذره تلخ باشد، نمی‌خورند. اگر دارو را شیرین کرده باشند، می‌خورد. غذای خوشمزه را می‌خورد. ولو مفید نباشد. غذای مفید را چون مزه کافی ندارد، پس می‌زند. این خاصیت آدمی است که با شروع زندگی به طبیعت می‌پردازد و فرمان طبیعت را می‌برد.

اگر با این فرمان طبیعت بجنگد، اگر بتواند بجنگد، اگر بتواند صد در صد بجنگد، اگر بتواند صد در صد بجنگد، قدم بزرگ، قدم خیلی بزرگی در آدمیت برداشته. فکر می‌کنم که اگر بر طبیعت غالب شود، اگر، اگر آدم بر طبیعت غالب شود، غلبه بر عرف و عادت دیگر خیلی برایش گران نخواهد بود. و اگر بر آن دو هم غلبه کند، یک سره حکومت عقل و شرع می‌شود و آدم، آدم می‌شود. تازه آدم، آدم می‌شود.

بین انسان و انسان کامل، باز هزار فرسنگ هست. اما این را هم عرض کنم که برای رسیدن به همه آنچه که آدم می‌خواهد، توسل یک چیز غریبی است. آدمی که می‌خواهد و راهی را می‌رود اما نمی‌تواند برود، توانایی‌اش را ندارد، برایش سخت است، راهش برایش گران است، توسل معجزه می‌کند. این را فراموش نکنید.

حتما توسل. خیلی کارها می‌تواند بکند که از خود آدم برمی‌آید.

آن زمان جوانی توسل‌های خوب [داشتیم]، البته سخت نبود اما توسلش خوب بود، چون قاعدتا درونش خلوص جوانی بود و جواب آمد. جوابش هم جدی بود. نتیجه داد. این ممکن است. توسل خیلی کار می‌کند. همه آنجاهایی که آدم ناامید است. هرجایی که آدم ناامید است، از خودش ناامید است، از توانایی خودش ناامید است، توسل می‌تواند کمک کند.

حجت الاسلام و المسلمین استاد جاودان (حفظه‌الله)



زخمی که جگرت را شرحه شرحه می کرد
زخمی بود از جنس شمشیر ابن ملجم
و زهر، آنچنان سینهات را تیر می زد که میخ در، پهلوی فاطمه را
و ناله هایی غریبانه؛ نه فقط از سوز زهر
که درد ناگفته ها از نامردی نامردمان، که سالها در سینه پنهان کردی
گویا قطره قطره زهر بر زخم های کهنه و قدیمی قلبت می چکید.
انگار خنجر این جراحات های کهنه و نو نزد «یک» آهنگر ساخته شده بود!
حتی آن جراحی که در خردسالی در کوچه پس کوچه های مدینه تو را سپیدموی کرد.

نویسنده: nooral376

شکر

